

سال دوم شماره ۱۳
پیر ۱۳۶۲
ژوئن - ژوئیه ۱۹۸۳



نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائین خلق ایران در خارج از کشور

'کو پتک و داس سرخ و میدان انقلاب

تا کاخ دین و بیخ ستم را برافکنیم

"لاهوئی"



سرود برای حمید



جوشاب روشنائی ، سرکش سرخ رهایی
 با توپوینده و پویا ، رزم خونین فدائی
 رودی ازخشم سیه گل ، جاری جنگل دوری
 توحما سه نبرد تن شب با تن نوری
 با شفق های شکفتن ، نبض مشتاق بهاری
 تن به خون شکسته ای تا صبح توده ها بر آری
 تو که میلاد شقایق به تن خشک کویری
 تو طلوعی از رهیدن بهر دستهای اسیری

* * *
 تا شب از خون رفیقان ، باغ بار آور طوفان
 در عمیق شب دشمن ، تونهای سر پیمان
 با شکوفه های طوفان ز ستاره ها دمیدی
 ای همه یاد رفیقان ، نام پایای "حمید"
 تو که میلاد شقایق به تن خشک کویری
 تو طلوعی از رهیدن بهر دستهای اسیری
 جوشاب روشنائی ، سرکش سرخ رهایی
 با توپوینده و پویا ، رزم خونین فدائی

برای تماس با جهان با آدرس
 زیر مکاتبه نمایند:

JAHAN جهان
 P.O. BOX 540
 N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

تقویم تاریخ

تیر
 June - July

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
				۱	۲	۳
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱		

- ۱ تیر ۱۳۲۴
اعتماد کارگران پالایشگاه آبادان برای اضافه دستمزد
- ۳-۱ تیر ۱۳۹۹
نخستین کنگره حزب "عدالت" که به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد، در بندر انزلی تشکیل شد.
- ۲ تیر ۱۳۴۸
تاسیس جمهوری دمکراتیک یمن (۲۳ ژوئن ۱۹۶۹)
- ۵ تیر ۱۳۱۸
شهادت شاعر انقلابی ایران، فرخی بزدی به دست عمال رضا خان
- ۶ تیر ۱۳۳۲
اعتصاب ۱۰ روزه ۲۰ هزار تن از کارگران کوره پز خانه های تهران
- ۶ تیر ۱۳۵۹
شهادت فدائی خلق دکتر اسمعیل نریمیا
- ۷ تیر ۱۳۸۷
قیام مردم تبریز علیه محمد علی شاه قاجار به رهبری ستار خان
- ۷ تیر ۱۳۳۰
میتینگ عظیم ضد استعماری در پشتیبانی از ملی کردن نفت
- ۷ تیر ۱۳۵۴
انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و به هلاکت رسیدن بیش از ۸۰ نفر از سران رژیم
- ۸ تیر ۱۳۵۴
اعتصاب خونین کارگران نساجی قائم شهر
- ۸ تیر ۱۳۵۵
شهادت فدائی کبیر حمید اشرف و ۱۰ تن از رزمندگان فدائی
- ۱۲ تیر ۱۳۰۳
شهادت شاعر آزاده و روزنامه نگار مبارز، میرزاده عشقی به دست عمال رضا خان
- ۱۵ تیر ۱۳۳۶
دستگیری خسرو روزبه پس از یک درگیری مسلحانه
- ۲۰ تیر ۱۳۲۶
درگذشت میر جعفر پیشه وری، یکی از رهبران جنبش دمکراتیک آذربایجان و حزب کمونیست ایران
- ۲۳ تیر ۱۳۲۵
اعتصاب بزرگ نفتگران جنوب. در این اعتصاب ۸۰۰۰۰ کارگرها خواستهای سیاسی و اقتصادی شرکت داشتند. رژیم از قبایل مسلح برای سرکوب اعتصاب استفاده نمود و در نتیجه ۴۷ تن از کارگران شهید و ۱۷۰ نفر زخمی شدند. حزب توده در این اعتصاب نقش ارتجاعی ایفا نمود.
- ۲۳ تیر ۱۳۳۰
مسافرت هریمین، دلال نفت و مشاور ویژه ترومن رئیس جمهور آمریکا به ایران جهت حل "بحران" نفت. برگزاری تظاهرات توده ای به مناسبت پنجمین سالگرد ۲۳ تیر ۱۳۲۵ و سفر هریمین
- ۲۶ تیر ۱۳۳۱
استعفای دکتر محمد مصدق به منظور اعتراض به عدم موافقت شاه با واگذاری تصدی وزارت جنگ
- ۲۷ تیر ۱۳۳۱
اعلام نخست وزیر قوام السلطنه از جانب شاه بجای مصدق
- ۲۵ تیر ۱۳۵۸
پیروزی انقلاب نیکاراگوئه (۲۹ جولای ۱۹۷۹)
- ۳۰ تیر ۱۳۳۱
قیام ملی سیام تیر. اعتراض وسیع مردم علیه قوام و مداخلات شاه. کشتار مردم در تهران، پیوستن عده ای از افسران به صفوف مردم، سقوط دولت قوام و نخست وزیر مجدّد مصدق
- ۳۰ تیر ۱۳۴۰
به گلوله بستن تظاهرات مردم توسط دولت امینی، اشغال کلسوپ جبهه ملی در تهران و دستگیری سران جبهه ملی
- تیر ماه ۱۳۲۸
امضاء قرارداد نفت معروف به "گس - گلشائیان"
- تیر ماه ۱۳۴۴
تشکیل جبهه ملی سوم

دومین سالگرد شنبه خونین (۳۰ خرداد) گرامی باد

سال از روزهاییکه درندگی رژیم به اوج خود رسیده بود گذشت. روزهاییکه چهره کثیف خمینی و ایادیش بهتر و بیشتر بریان گشت. روزهاییکه دسته های اوباش و عربده گشان پاسدار نهایت قساوت ممکن را از خود نشان میدادند. روزهاییکه قداره بتندان کمیته چی از ختم مردم میگریختند و تنها در پناه شلیک های مداوم جان سالم بدر میبردند. روزهاییکه یادآور ایام قیام بود، روزهاییکه دود و آتش اغلب خیابانهای شهرها را پوشانیده بود، روزهاییکه خشم مردم حدی نمی شناخت، روزهاییکه حزب - الهی ها چون گوریل های وحشی جسد های نیمه جان و خون آلود دختران و پسران جوان را به این طرف و آن طرف میکشیدند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درگزارشی از وقایع شنبه خونین نوشت:

"فالانوها در خیابان دخترری را دنبال کرده اند. دختر در حالی که می دوید فریاد میزد، بخدا قسم من از سرگینار برمیکردم ولی مزدوران با میله های آهنی او را چنان زدند که خون از سرش فواره کشید و سپس جسد نیمه جان را به همراه سه دختر دیگر که آنها نیز تمام بدنشان از خون پوشیده بود در ماشین کمیته انداختند. حزب الهی های وحشی قبل از اینکه ماشین حرکت کند با چاقو بدن این چهار دختر را پاره پاره کردند." برآستی جنایاتیکه دراین روزها توسط مزدوران رژیم و به دستور خمینی و سران حزب جمهوری اسلامی انجام گرفت در تاریخ ایران کم سابقه است. ۳۰ خرداد روزی که صحنه های جنایت رژیم در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و آذربایجان در شهرهای دیگر نیز تکرار شد. رژیم اگر چه تا آن تاریخ نقش ارتجاعی خود را در سرکوب خلقها، دهقانان، کارگران و دانشجویان ایفا کرده بود، اما در این روز چون گرازی زخم خورده و وامانده چنگال خونین خود را به سوزکشید تا عمر تنگین اش را چند صباحی بیش تداوم بخشد. اگر چه اقا و مختلف خلق در این روز تا ریخی شهدای زیادی تقدیم جیش کردند لیک راه خود را بهتر شناختند و تجارب گرانبهای کسب نمودند. ما در دومین سالگرد این روز تاریخی، یاد همسایه شهدای خلق را گرامی میداریم. ☆



شهریه دانشجوین معادل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در داخل کشور
سال دوم - شماره ۲

در این شماره

۴	تهاجم نیروهای سرکوبگر درهم شکسته شد
۵	یادشهادت شیرماه گرامی باد
۶	دژافسریه " چه گذشت
۶	اخبار ایران
۱۰	اخبار جهان
۱۰	شیلی - پینوشه: " آقاییان همین است و بس "
۱۳	سالگرد قیام نوشتوگرامی باد
۱۷	"شکافت لبی"
۱۸	درک مادی از تاریخ، بحث نخست: پیرامون متد دیالکتیکی
۲۲	۵۰ میلیون کودک در بازار کار جهانی
۲۳	دعوت برای اشتشار
۲۴	ازخواستندگان
۲۵	بدون تفسیر
۲۶	خرید اسلحه از آمریکا، آلمان و اسرائیل
۲۷	دروغ شرعی "باخت دخانیات ایران"
۲۸	توطئه مشترک ترکیه و عراق مکمل جنایات رژیم خمینی
۲۹	متن توضیح "مجاهد" و متن نامه "مهدی سامع" (بیژن)
۳۰	درباره سینمای انقلابی و سینمای بورژوازی
۳۴	درخاشیه کنفرانس ویلیا مزبورگ
۳۵	دیدگاهها: بررسی تاریخی انترناسیونال کمونیستی (کمینترن)
۳۸	اخبار جنبش دانشجویی
۴۲	ریشه های بحران در زیمبابوه
۴۷	شعر
۴۸	جدول
۴۹	بحران جنبش فلسطین
۵۱	گرامی باد خاطره فدائیان خلق عبدالرضا و حمیدرضا ماهگیر

اطلاعیه پیرامون توطئه

سازمان مجاهدین خلق

علیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در صفحه ۲

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی. برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

اطلاعیه پیرامون توطئه

سازمان مجاهدین خلق

علیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



هموطنان مبارز:

سازمان مجاهدین خلق ایران در رأس شورای ملی مقاومت اخیراً با دست زدن به یک سری اعمال ماجراجویانه و عوامفریبانه، متلاشی کردن سازمان ما را در دستور کار خود قرار داده است، تصمیم دارند در روزهای آینده مسائل تشکیلاتی ما را به گونه‌ای تحریف شده به مناقصه بگذارند. از آنجائیکه این کوشش مجاهدین به دلیل موضع‌گیری انقلابی سازمان ما در رابطه با شورای ملی مقاومت میباشد ضرورت دارد ضمن توضیح مختصر در این زمینه تا آنجا که به حفظ مسائل و اسرار جنبش انقلابی ایران لطمه‌ای وارد نکند، نکاتی را بازگو کنیم. بدیهی است در صورت ادامه این روش ناپسند از سوی رهبری مجاهدین خلق، ما برای رد اتهاماتی پایه به سازمان مجبور به انتشار بیرونی کلیه اسناد و دلایلی در این زمینه خواهیم شد که طرح و انتشار آنها را در این مقطع به نفع جنبش انقلابی ایران نمیدانیم. ما از هم اکنون مسئولیت پیآمدهای بعدی این حرکت را به عهده رهبری سازمان مجاهدین خلق میدانیم.

طوفان عظیم انقلاب به پیش می‌رود و کشتی شکسته دریا نوردان حامل لیبرال‌ها و هم پیمانان خرده بورژواژیستان به طرز دردناکی به گل می‌نشینند. آنها تکیه استعدادهای خود را در جستجوی راه سازش برای انقلاب به کار گرفته‌اند چه بهتر که در پایان این تراژدی غم‌انگیز در رویای کسب قدرت سیاسی از بالا در واپسین دم حیات این اتحاد نامیمون سرود ماتم سر دهند. کارگران و زحمتکشان در فردای انقلاب به داوری خواهند نشست و آنوقت ناقوس رسوایی سردمداران سازش در تمامی این کشور اسلام زده ظنین انداز خواهد شد. آری انقلاب به وسیله توده‌های مردم و بر ضد سفاک‌ترین رژیم ضد بشری قرن عینیت خواهد یافت و مبتکران راه سازش و عقاید خود کورته فکرانه را به زیر خواهد کشید. مدتها بود دعوا بر سر رویای کسب قدرت سیاسی بالا گرفته بود. آنها که خود را تنها آلترناتیو موجود میخواندند و تمام "شورای ملی مقاومت" بر خود نهادند و در رأس آنها سازمان مجاهدین خلق مدتها در انتظار سرنگونی رژیم و قبضه قدرت سیاسی از بالا بدون ارائه یک برنامه انقلابی بدون اتخاذ یک سیاست درست در رابطه با اتحاد عملی‌های اصولی و با تاکید بر دولت انقلابی اسلامی، با تاکید بر حفظ ارزش‌های خلقی به صورت سابق، با تاکید بر حفظ نهادهای بوروکراتیک و بالاخره با حفظ ماشین دولت بورژوازی، عملاً پراکنندگی نیروها را در سطح جنبش موجب شدند. مجاهدین خلق هرچا منافع گروهیشان اقتضا کرد برای مردم "جبهه"، "سازمان" و "شخصیت" تراشیدند. علیه نیروهای انقلابی دست به تاخت و تاز کردند. کسانیکه مدتها از صحنه سیاست و مبارزه به دور بودند در خارچ از کشور به وسیله همین مجاهدین خلق "شخصیت" شدند. آن لیبرال‌های واپس‌اندازی که مردم آنها را در صفوف خود با عینک مادون قرمز هم پیدا نمی‌کردند یکدفعه در کنار مجاهدین خلق قرار داد صلح به امضاء رساندند. در رابطه با برخورد انقلابی و موضع صریح سازمان ما نیز هر بار که خواستند گریبان خود را خلاص کنند به جای برخورد اصولی با مضمون گفته‌ها و عملکردهای ما و با مضمون مندرجات نشریه "کار" فوراً خود نشریه و یا سازمان را به زیر سؤال بردند. مدتها علیه ما دست به

بقیه در صفحه ۶

در عملیات قهرمانانه پیشمرگان

تهاجم

نیروهای سرکوبگر درهم شکسته شد

اطلاعیه

ساعت ۵/۳۰ با مداد روز ۲۵ خرداد ستونی مرکب از جاشها، پاسداران، بسیج ضد خلقی و ارتش سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی به قصد تصرف روستای گلوان از پادگان ترجان به حرکت درآمده بودند. ستون مزبور در ساعت ۶ با مداد به کمین پیشمرگان سازمان انقلابی زحمتکشان (کومله) می‌افتد. مزدوران از همان ابتدای درگیری هاج و واج با اسلحه سبک و سنگین به مقابله با پیشمرگان می‌پردازند. لحظاتی بعد یک دسته از پیشمرگان دیگر کومله از ضلع جنوبی نبرد نیروهای دشمن را مورد حمله قرار میدهند. به محض اطلاع از درگیری مزدوران با پیشمرگان کومله، یک دسته از پیشمرگان قهرمان فدائی در اسرع وقت خود را به محل درگیری رساندند و از ساعت ۹/۵ وارد منطقه عملیات شدند. رفقای ما دوشادوش رزمندگان کومله پس از چند ساعت نبرد، سرسپردگان حاکمیت ارتجاع را وادار به عقب‌نشینی نمودند و تلفات و خسارات فراوانی به دشمن وارد آوردند. در تمامی صحنه نبرد، ابتکار عمل در دست پیشمرگان قهرمان بود. هرگونه عکس‌العملی را از حامیان سرمایه سلب کرده بودند. دو تن از مزدوران که مقابله سختی با رفقای ما انجام داده بودند، پس از دستگیری اعدام انقلابی شدند و یکی از آنها نیز توسط رفقای کومله اعدام انقلابی گردید. در این درگیری بیش از ۳۰ تن از مزدوران کشته و زخمی و ۷ تن از اجیرشدگان به اسارت رفقای کومله درآمدند. ضربات پی در پی اسلحه‌های سبک و سنگین پیشمرگان، سنگرهای مزدوران را یکی پس از دیگری از خود فروختگان تخلیه مینمود و سرانجام پس از ساعت‌ها نبرد آنها را تا پایگاه‌هایشان عقب راندند.

در این نبرد متهورانه، غناش زیر به دست پیشمرگان فدائی افتاد؛

۱- تنگ ۲- دو قبضه
بقیه در صفحه ۲۹

از میان رفقایمان
تنها رفیقی که دوران قبل از مرگش
لقب کبیر گرفت او بود

یادشدهای تیرماه گرامی باد

مزدوران را در هم شکست و توطئه‌ی آنان را عقیم کرد.
رفیق حمید رهبر قاطع و خستگی ناپذیری بود که در
بازسازی سازمان پس از ضربات تیر و مرگ سال ۱۳۵۰
اساسی‌ترین نقش را بعهده گرفت و با کله ه تن از
رفقای که از ضربات صحن مانده بودند سازمان را
سخت کوشانه نوسازی کرد.

رفیق حمید همه‌ی خصلتهای انقلابی یک رهبر
برجسته را دارا بود. وی همواره بر اساس واقعیت‌های
شخص و با درکی عمیق فعالیت‌های انقلابی را سازمان
می‌داد. او خود در این باره چنین می‌نویسد:
"طرح یک ایده و یک آرزو هر قدر هم که ضروری
تشخیص داده شود بدون ارتباط با امکانات
عقلی سازمان چیزی حاصلی است. پس از
طرح شدن یک ایده می‌بایست اسلوب
مناسب و عقلی برای اجرای آن ارائه کرد
وگرنه طرح ایده‌ها بدون اسلوب عقلی، کار
بی‌فایده‌ای است."

درس‌آموزی از اشتباهات گذشته توجه به آموزش و
کسب تجربه از رویدادها و انتقاد شدید از اشتباه‌زدگی‌ها
از سبیل دیگری بود که رفیق حمید مسئولانه به آنها
توجه می‌نمود و می‌کوشید تا با برخورد صادقانه به
کاستی‌ها و شناخت و ریشه‌یابی علل آنها گنجینه‌ی
تجربیات سازمان را هر چه بیشتر غنا بخشد و امکانات
را برای گسترش سطح مبارزه فراهم آورد.

رفیق حمید اراده‌ی خط سرخی است که از جنگ -
های سیاهگل آغاز می‌شود و از فراز و فرود جاده‌ی
انقلاب بهمن ماه می‌گذرد و امروز در هیأت "کار"
اعتصاب را و انقلاب را نهید می‌دهد.

برچی که در پنجه‌های توانای رفیق حمید در اهتزاز
بود با سرخی خونتش رنگی دیگر و جلای دیگری گرفت.
این میراث ماندگار سرانجام به هم‌زمانی هم‌تبار با
رفیق حمید رسید: رفیق نظام، رفیق هادی، رفیق
کاظم، رفیق محسن. انسانهایی کونیست که خون
فداییان و خون حمید کبیر را در رگ داشتند و
اگر رفیق حمید با رژیم مزدور پهلوی می‌جنگید؛ آنان
با رژیم بدسگال و ددمنش جمهوری اسلامی مبارزه
کردند و سرانجام برای تحقق آرمانهای طبقاتی
کارگر و زحمتکشان جامعه خون خود را ایثار داشتند
امروز میراث ماندگار حمید کبیر، میراث عشق او به
کارگران و زحمتکشان، میراث کینه‌ی عمیق او به دشمنان
خلق و به مزدوران امپریالیسم، میراث ماندگاری و
استواری و پیگیری او در مبارزه، مفهوم "فدایی"
را بمنزله‌ی عنصری تاریخی - طبقاتی در صحنه‌ی
مبارزه‌ی کارگران و زحمتکشان ایران تشخیص می‌بخشد
مذهبی را که با سرنوشت انقلاب ایران و بسا
آینده‌ی مبارزات طبقاتی کارگر ایران پیوندی نسبی -
کسنتی دارد.

امروز هستند جریانات و عناصر بسیاری که خود را
بقیه در صفحه ۱۷



بی‌تردید یکی از برجسته‌ترین و انقلابی‌ترین چهره‌های
جنبش نوین کونیستی ایران رفیق کبیر حمید اشرف است.
رفیق حمید یکی از بنیانگذاران ارزشهای انقلابی است
که "عنصر فدایی" را بمنزله‌ی تجسمی از انسان کونیست
در شرایط ویژه‌ی جامعه‌ی ایران تعیین می‌بخشد.
بی‌هیچ تردید نوشته‌ی رفیق حمید در "جمع بندی سه
ساله" در تحلیل جانباختن‌ها و از خودگذشتگی‌های انقلابی
پیشگامان جنبش نوین کونیستی ایران آئینه‌ی تمام نمای
خصائل انقلابی خود اوست:

"ارزشهای انقلابی موجود در سازمان ما نتیجه‌ی
فداکاریها و جانباختن‌های رفقای قهرمان ماست.
این پیشگامان بسیاری از چیزهایی را که قبلا
وجودند داشت بوجود آوردند و ارزشهای نوینی
خلق کردند و مفاهیم نوینی را مطرح ساختند و
تثبیت نمودند و مکتبی از آموزشهای انقلابی
برپا داشتند. رفقای ما نمونه‌ی کاملی از
صداقت انقلابی بودند... مفهوم
"فدایی" در مورد آنها نه بعنوان یک
شعار بلکه بعنوان یک واقعیت هدایت‌بخش
می‌کرد."

رفیق حمید سازمانگر آزموده و رزمندگی روزی‌های بود
که در عرصه‌ی مبارزات سیزده ساله‌ی انقلابی خود در
شرایط فشار و سرکوب و خفقان خصوصیات فرماندهی
قاطع و پر تجربه، با پیشانی زلف را بدست آورده بود.
او در نبردهای متعددی که با مزدوران رژیم پهلوی
داشت چنان نیز بینی، دقت و بینش تاکتیکی سنجید
ای از خود نشان می‌داد که دشمنان را نیز به ستایش
و تحیر واهی داشت. رفیق حمید در طول ۶ سال
زندگی مغنی پرشور خود ۱۴ بار حلقه‌ی محاصره‌ی

هشتم تیرماه برابر بود با سالروز شهادت فدایی خلق
حمید اشرف رهبر کبیر سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
و ده تن از هم‌زمانش رفقا غلامعلی خراط پور، محمد
حسین حق نواز، یوسف قانع خشک بیجاری، محمد
رضا پشیری، طاهره خرم، غلامرضا لایق مهنانی،
علی اکبر زوری، محمد حسین فوقانی و عسکر حسینی -
ابره.

شهادت فدایی کبیر حمید اشرف و هم‌زمانش اگر چه
ضایعه‌ای بس بزرگ برای جنبش انقلابی کارگران و زحمت-
کشان ایران بود اما طایفه‌ی هم‌زمانی در آنها و پیاوه سرایی
رژیم صفور پهلوی مبنی بر مصلحتی کردن سازمان چریک-
های فدایی خلق ایران، جنبش نوین کونیستی ایران از
حرکت پیروزمندانه‌ی خود باز نایستاد و سازمان بسا
درس‌آموزی از تجربیات گذشته و بهره‌گیری از میراث
خونین مبارزه‌ی هزاران فدایی رزمنده راه پر افتخار
فدائیان را که تا واپسین دم زندگی بخاطر آرمانهای
انقلابی طبقاتی کارگر و زحمتکشان جامعه مبارزه می‌کردند
ادامه داد و سرانجام دوشادوش کارگران و زحمتکشان
فعالانه در برانداختن و نابودی رژیم جنایتکار و وابسته
شاه خائن شرکت کرد.

حیات پربار و افتخار آمیز امروزین سازمان چریک‌های
فدایی خلق ایران بمثابه‌ی تنها سازمان سراسری کونیستی
ایران، نتیجه‌ی مبارزه‌ی هزاران فدایی کوشنده و خستگی
ناپذیری است که در سیاه‌ترین سالهای اختناق و
خفقان مصمم و پیگیر در جهت آرمان والای کارگران و
زحمتکشان مبارزه کردند و در توفانی ترین مقاطع
تاریخی، پرچم خونین سازمان را برافراشته نگاه
داشتند، و از سه‌گین ترین آزمون‌های تاریخ سرفراز
بیرون آمدند.

اطلاعیه پیرامون توطئه

بقیه از صفحه ۴

شایعه پراکنی سازمان یافته تشکیلاتی زدند حرفهایشان را با هزار "اما" و "و" "گویا" و "باید" و "شاید" و گوشه و کنایه گفتند و دست آخر اظهار نمودند که: "آنها که آنطوری بودند دیدید حالا اینطوری شدند". به عنوان مثال کلیه صحابه های آقای رجوی و شریات مجاهدین خلق از اواخر سال ۶۰ تاکنون عملاً گویای این واقعیت است که آنها ضمن آنکه از بیان نام سازمان و عملکردهای انقلابی آن هراس داشته اند از تحریف نظرات ما هیچ دریغی نکردند. با وارد آمدن ضربه اسفند ماه ۶۰ به سازمان ما و شهادت چند نفر از رفقای برجسته سازمان، رهبری سازمان مجاهدین با درک درست و بیه موقع از وظائف خطیر خود! تبلیغات گسترده ای را مجدداً تدارک دیدند. در شرایطی که بلندگوهای رژیم اسلامی فریاد برآورده بودند که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران متلاشی شد و از نابودی ما سخن سر داده بودند آقایان رجوی و محسن رضایی در پاریس و پدر رضاشیبا در واشنگتن به اضافه شریات مجاهدین همگی بانگ برآوردند که بالاخره این سازمان هم تمام شد! و تهمت و افترا بود که بر سر سازمان ما سرازیر گردید. ولی این آروزی آنها برآورده نشد و در کمال تعجب شاهد بازسازی مجدد تشکیلات سازمان بعد از ضربه اسفند ماه شدند. انتشار مجدد نشریه کار در تهران نه تنها موجب خرسندی مجاهدین نشد بلکه با واکنش های عصبی هیچوقت خشم خود را از این حرکت انقلابی نپوشاندند. درست در شرایطی که متحدین یکپارچه ضد سازمان در زیربوم گفته هایشان و در لابلای حرفها و از پشت پرده میگفتند نشریه "کار" در خارج از کشور منتشر میشود! نشریه کار در کردستان در می آید! و با این حرفها میخواهند سازمان ما را متلاشی شده پندارند! رهبران مجاهدین خلق هم با شیوه های دیگری و با همان بیچ و خم معمول در گفتارشان وجود نشریه را انکار میکردند! درک آنها در این مقطع و توجه عمیقشان به ضرورت انجام بین نیروهای انقلابی ناگزیر تاکتیکیهای مناسبی را نیز ایجاب مینمود! در همین دوره خیلی ها که از مشاجرات و اختلاف نظرهای سازمان در یک دوره و بویژه بعد از کنگره تازه در خارج از کشور مطلع شدند، نیشخندهائی میزدند که البته نیشخند رهبران مجاهدین خلق همیشه توأم با دهن کجی بوده است! آنها تلاش کردند از وجود پاره ای اختلافات ایدئولوژیک که طبعاً در یک سازمان انقلابی بروز خواهد کرد دستاویزی برای مقاصد خویش پیدا کنند. البته ما همچنان و در همه جا که ضرورت داشته باشد هم به انتقاد از خود خواهیم پرداخت و هم برخورد بی رحمانه ای با نواقص خواهیم داشت. اما این طیف مخالف و ضد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بویژه مجاهدین علیرغم این همه قلمفرسایی راجع به ما حتی برای یکبار هم که شده تصویری واقعی از وضع سازمان خود نشان نداده اند که آیا اصلاً مخالفینی هم دارند؟! ما اعتقاد داریم رشد مبارزه و تکامل روند مبارزه طبقاتی در ایران جبراً از نواقص ما در جنبش نیز خواهد کاست و بروز یکسری نارسائیه در این مرحله از جنبش در سازمانهای انقلابی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

رهبران مجاهدین خلق که بسیار عجولانه در ۳۰ خرداد مردم را به قیام فرا خواندند و در تابستان همان سال طرح های زمان بندی شده برای سرنگونی رژیم ارائه دادند. آنها شاید چند ماه و روز برای سرنگونی رژیم تعیین کردند و وعده و وعید های پوچ به مردم دادند اکنون بسی آشفته فکر به نظر می آیند. درک محدود و کوتاه فکرانه آنها در زمینه های مختلف مسائل اجتماعی و جهانی، آنها را به ورطه سقوط سیاسی - ایدئولوژیک و در پاره ای موارد اخلاقی (نظیر همین توطئه علیه سازمان ما) کشانده است. روند تحولات سیاسی در ایران و اظهارات آنها پیرامون مسائل اجتماعی و پیچیده جنبش به همراه نتایج حاصله از آن در این لحظه نه تنها خیلی ها را به تعمق واداشته است بلکه هر آدم عاقلی را نسبت به حسن نیت آنها در رابطه با گفتارشان دچار تردید میکند. اشتباه بزرگی بود اگر ما تا به امروز این کج رویهای مجاهدین را با واقعیات عینی که در ایران میگذرد تطابق نداده بودیم

اطلاعیه

سازمان راه کارگر

کمیته خارج از کشور

سازمان مجاهدین خلق ایران با درج نامه مهدی سامع عضو سابق کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در نشریه "مجاهد" (شماره ۱۶۰، پنجشنبه ۲۳ تیر) در جهت برپائی یک تشکیلات دست نشانده به اصطلاح چپ گام بر میدارد. این اقدام سازمان مجاهدین خلق، در شرایطی است که، برنامه و تاکتیک "شورای ملی مقاومت" و بویژه سازمان مجاهدین خلق برای سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ایران با بن بست جدی روبرو شده است. و اقدامی است در جهت منحرف کردن اذهان توده های مردم و هواداران سازمان از شکست مجاهدین و کسب اعتباری برای "شورای ملی مقاومت". در شرایطی که نارضایتی عمیق و گسترده توده ها در مبارزات آشکار توده ای و بویژه در مبارزات طبقه کارگر علیه رژیم فقها و درجهتی مغایر با برنامه و تاکتیک "شورای ملی مقاومت" روبه گسترش است، در شرایطی که سازماندهی و هدایت مبارزات کارگران و زحمتکشان نیازمند سازمان های سیاسی - انقلابی و بویژه سازمانهای کمونیستی است، سازمان مجاهدین خلق ایران درصدد آنست که با استفاده از اختلافات درونی این پارتی سازمان چپ انقلابی و با استفاده از کسانیکه دارای سابقه فعالیت سیاسی با ایدئولوژی چپ بوده اند، به تفرقه در میان آنها دست زنند و به ایجاد تشکیلات های دست نشانده به اصطلاح کمونیستی اقدام نماید. سازمان مجاهدین خلق این اقدام خود را چه بصورت مخفی و چه بشکل آشکار از طریق مداخله در امور داخلی سازمانهای چپ انقلابی و با استفاده از کسانیکه خود را بسه خرده بورژوازی تسلیم مینمایند، شروع کرده است.

سازمان راه کارگر موضع خود را مبنی بر نادرستی پیوستن کمونیستها به "شورای ملی مقاومت" از همان آغاز اعلام تشکیلات "شورای ملی مقاومت"، رسماً و علناً اعلام نمود، و طبعاً اکنون نمیتواند با خط انحلال طلبی پیوستن کمونیستها به "شورای ملی مقاومت"، موافقتی داشته باشد. مابسی آنکه قصد مداخله در مسائل درونی سازمانهای انقلابی دیگر را داشته باشیم و بدون پرداختن به مسائلی که منجر به تصفیه مهدی سامع از سازمان چریکهای فدائی خلق شده است، وظیفه خود میدانیم که اقدام مهدی سامع را اساساً با خطر کنار گذاشتن پرچم مستقل کارگری و همکاری با سازمان مجاهدین خلق برای ضربه زدن به سازمانهای چپ انقلابی از طریق کوشش برای برپائی تشکیلات دست نشانده سازمان مجاهدین خلق، نادرست اعلام کرده و محکوم نمائیم.

سازمان راه کارگر - کمیته خارج از کشور
۸۴/۷ / ۲۱

اقدام فرصت طلبانه و توطئه گرانه سازمان مجاهدین خلق مورد نفرت و انزجار هواداران نیروهای سیاسی انقلابی است، ماضی تا شاید عمل انقلابی کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مورد اخراج مهدی سامع، عوامفریبی کاسبکارانه سازمان مجاهدین خلق را شنیدیم محکوم میکنیم جهان

در آفسریه چه گذشت؟

ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه ۷ تیرماه مردم زحمت-کش آفسریه بعنوان اعتراض به نبود آب، برق و نان اتوبان آفسریه را بستند. قابل ذکر است که آفسریه مدتی است از لحاظ آب در مضیقه میباشد آب آفسریه به لوله کشی شهر متصل نیست و چاه مخصوص دارد که توسط موتور برق آب جمع شده. در مخزن رابه خانه ها میرساند. مدتی پیش بعلمت سوختن موتور برق همین آب - محدود نیز قطع شد. پس از بسته شدن اتوبان توسط مردم آفسریه اولین سری سرکوبگران متشکل از افراد کمیته و سپاه سر رسیدند. ماشینهای بنز این مزدوران - مورد هجوم مردم قرار گرفت و شیشه آنها خرد شد. در این درگیری تعدادی از پاسداران زخمی شدند. مردم از قبل مقدار زیادی سنگ تدارک دیده بودند تا در برابر مزدوران بکار ببرند. سرکوبگران رژیم که وضعیت را وخیم دیدند عقب نشینی کرده و مجدداً با بسیج نیروهای بیشتری به محل بازگشتند تا مقاومت مردم را درهم شکنند. اما علیرغم حضور تعداد کثیری پاسدار مسلح و تیراندازی هوایی و شلیک گاز اشک آور مردم همچنان به حرکت خود - ادامه داده و با آتش زدن لاستیکها سعی میکردند اثرات گاز اشک آور را خنثی سازند. مردم با پرتاب سنگ و زدن پاسدارها آنان را وادار به عقب نشینی میکردند. درگیری بسیار حاد بود و روزهای خونین قیام را در خاطرها زنده میکرد. حرکت اعتراضی مردم زحمتکش و به خشم آمده از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تا ساعت ۴/۵ عصر همان روز ادامه یافت مردم به پاسداران میگفتند: "بالاخره همین اسلحه ای را که ما بدستمان دادیم پس میگیریم. شما اسلحه ای را که با دست ما تصاحب کردید بر علیه ما بکار نمیبرید" وقتی پاسداران مطرح کردند که امروز سالگرد



خطاهای آنان را برملا نکرده بودیم و در مبارزه با افکار آغشته به کینه آنها نسبت به جنبش کمونیستی ایران سکوت اختیار میکردیم. با این همه شایسته است توجه جدی و آگاهانه نسبت به اهمیت آنچه که پیرامون توطئه های مجاهدین علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تدارک دیده شده است به عمل آید. بدون شک سازمانهای انقلابی، نیروهای مترقی و مردم مبارز ایران در مقابل چنین اعمالی سکوت نخواهند کرد.

برای روشن شدن اذهان عموم و قبل از بیان جزئیات دخالتهای مجاهدین در امور تشکیلاتی سازمان - عین تصمیم کمیته مرکزی سازمان به تاریخ ۱۳ خرداد در باره اخراج یکی از اعضای کمیته مرکزی رادر زیر می آوریم :

"کمیته مرکزی سازمان طی شصت خردادماه ۶۲ در زمینه رسیدگی به نابسامانی های حاکم بر شاخه کردستان و نقش مسئول شاخه (بیژن) بعقل زیر:

- ۱- عدول از خط ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی سازمان
- ۲- رهبری خط لیبرالیستی حاکم بر شاخه
- ۳- تمفیه عناصر مخالف خط مشی حاکم بر شاخه
- ۴- دامن زدن به رقابت های ناسالم بین تیم ها که منجر به از هم پاشیدگی و ضربه وارد آوردن به تشکیلات شد.
- ۵- خلع سلاح خودسرانه گروه هرمزگان
- ۶- عدول از تصمیمات متخذه کمیسیون در دیماه ۶۱
- ۷- ایجاد دسته بندی و گروه بندی در شاخه
- ۸- بی توجهی در رابطه با حفظ و نگهداری سلاح های سازمان
- ۹- عدم پذیرش اشتباهات و انحرافات گذشته و پافشاری بر مواضع گذشته خود
- ۱۰- رفتار نادرست و فقدان اخلاق کمونیستی

تصمیمات زیر را اتخاذ مینماید:

الف - عدم صلاحیت در کمیته مرکزی سازمان

ب - عدم صلاحیت در مسئولیت شاخه

ج - لغو عضویت از سازمان

بر طبق تصمیمات فوق الذکر حکم اخراج طی همین نامه ابلاغ میگردد."

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۳۶۲/۲/۱۳

درست بلافاصله پس از اخراج آقای مهدی سامع (بیژن) دو نفر مجاهد در منطقه کردستان با پیام محرمانه به رفقای ما مراجعه کردند و گفتند این پیام را به توسط بیسیم دریافت داشته ایم و مخصوص آقای سامع است. رفت و آمدهای مجاهدین به طور مرتب در طی دو سه روز و هر روز چند بار صورت گرفت. چند روز بعد افشاد بی مسئولیتی در منطقه به دلایل مختلف با آقای سامع دور هم جمع شدند و تماسهای مکرر آقای سامع، مجاهدین و این عناصر ابعاد گسترده تری به خود گرفت. از آنجائیکه این تماسها بعد از اخراج وی خارج از اصول و ضوابط تشکیلاتی سازمان محسوب میشد و دورهم جمع شدن آنها در محیط تشکیلات سازمان بر خلاف ضوابط تشکیلات بود، تذکرات لازم به سامع داده شد. بهر صورت حاصل این تماسها این شد که درست در شب حمله پاسداران ارتش و بسیجی ها به منطقه "قالویه" چند نفر از افرادی که تحت تاثیر گفتار سوء ایشان واقع شده بودند دست به یاغی گری زده و شب هنگام با از کسار انداختن اسلحه کالیبر ۵ و با برداشتن چند اسلحه سازمان فرار کردند. اگر چه این اسلحه ها بعداً پس گرفته شد و برخورد لازم در این زمینه صورت گرفت. در محل وقوع این حادثه مجاهدین خلق نیز حضور داشتند و ما برای تسریع امور و خلع سلاح افراد یاغی صادقانه به آنها مراجعه کردیم و متن کوتاهی را خواستیم برای ما بیسیم بزنند. آن متن عبارت بود از اینکه به محض ورود دو نفر از افراد یاغی به یکی دیگر از روستاها خلع سلاح شوند. البته به جرم همان یاغی گری که به مثابه همکاری آنها با رژیم جمهوری اسلامی محسوب میشد. لیکن بعداً متوجه شدیم که متن این پیام هرگز

اطلاعیه:

به دست رفقای ما در منطقه دیگر نرسیده است. به تحقیق دریافتیم، مجاهدین بجای رساندن متن پیام به مسئول مقر سازمان ما آنرا به افراد تحت تعقیب داده و آنها نیز از منطقه دور شده‌اند. البته طی مذاکراتی با مسئولین مجاهدین، آنها اظهار داشتند "از آنجائیکه این متن مربوط به مسائل داخلی شما بوده، ما تصمیم گرفتیم این پیام را نرسانیم!" و در مقابل این سؤال که دادن این متن به افراد یاغی دخالت در امور داخلی ما نیست؟! جوابی نداشتند. ما به همان دلیلی که در ابتدای این اطلاعیه گفتیم از ذکر موارد دیگر خودداری میکنیم و در صورت به روی صحنه آوردن پرده‌های بعدی این نمایش مسخره از سوی مجاهدین، الزاماً به موارد متعدد دیگر خواهیم پرداخت.

به هر صورت علیرغم داشتن اطلاعات کافی درباره چگونگی اخراج آقای سامع، مجاهدین خلق تصمیم گرفتند به سیاست دخالت در امور داخلی ما ادامه دهند و آقای سامع را سه روزه از کردستان به پاریس انتقال داده و هم اکنون در پاریس از وی پذیرائی میشود. در پاریس با مشاورت و رهنمود رهبری مجاهدین از سوی وی نامه‌ای (بهتر است بگوئیم ندامتنامه‌ای) خطاب به "مسئول اول سازمان مجاهدین" نوشته میشود. در پاسخ به ندامتنامه وی اگر نیازی به توضیح برای اعضا و هواداران سازمان بود، اطلاعیه‌ای هم لازم نداشتیم چرا که کلیه اعضا و هواداران بر اساس خط و مشی سیاسی - ایدئولوژیک حاکم بر سازمان و مصوبات کنگره، نحوه برخورد ما به جریان‌های ناپسند در جنبش را به خوبی میدانند و بویژه آنکه بند بندمتن ندامتنامه در تناقض آشکار با مصوبات کنگره، ضوابط تشکیلاتی و سیاست انقلابی سازمان میباشد. اما مروری بر این ندامتنامه و توضیحاتی در این زمینه جهت روشن شدن اذهان عموم ضروری میباشد.

نوشته خطاب به "مسئول اول مجاهدین" و با ستایش از "قهرمانیها و مقاومت‌های مجاهدین خلق" (و فقط مجاهدین خلق) در شکنجه‌گاهها و زندان‌ها، شروع میشود. هر آدم عاقلی از خود می‌پرسد چگونه میشود که تا دو ماه پیش یک نفر عضو کمیته مرکزی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به عنوان یک سازمان سراسری بوده باشد و حتی امروز نیز کماکان ادعای عضویت در کمیته مرکزی سازمان را بنماید و فقط ناظر مبارزات و قهرمانیهای مجاهدین خلق بوده باشد! او با توجه به موقعیتی که داشته است، از گزارش قهرمانیهای صدها رفیق فدائی و با اعضا و هواداران سایر گروه‌های مبارز در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های رژیم، اطلاع داشته است و تنها محض اطلاع خوانندگان یادآوری مینمائیم که به غیر از شهدا و اسرای سازمان در سراسر ایران، شاخه کردستان سازمان فقط در یکسال گذشته تحت مسئولیت وی به غیر از هواداران بدون ارتباط تشکیلاتی، ۱۹ نفر عضو و پیشمرگ شهید داشته است آقای سامع در خوش خدمتی به مجاهدین تا به آنجا پیش میرود که حتی گوی سبقت در تحریف مقاومت و مبارزه نیروهای انقلابی را از خود مجاهدین نیز میرباید. زیرا مجاهدین همیشه در نشریاتشان در رابطه با مبارزه و مقاومت نیروهای انقلابی از واژه "مجاهدین و مبارزین" استفاده میکنند در حالی که آقای سامع حتی سخنی هم از دیگر نیروها به میان نمی‌آورد. بنابراین معلوم میشود وی مغرض است و با دقت بیشتری نامه را مرور میکنیم. کمی یائس‌تر از این جملات چنین نگاشته شده است: "متأسفانه رهبری شوریک گرایش سکتاریست حاکم بر سازمان با درج مقاله‌ای تحت عنوان "دوره بیشتر وجود ندارد" در نشریه کار ۱۶۶ با پر خاشگری عصبی به نیروهای انقلابی و در رأس آنها مجاهدین خلق و پس از آن حزب دمکرات کردستان و نیز با ادعاهای "کودکانه" عمل سیاست‌آناارشیستی و سکتاریستی خود را در رابطه با مسائل مبهم جنبش به نمایش گذاشته است." باشد! ما این فرض غلط را هم اگر بپذیریم، می‌پرسیم از کی و در کجای دنیا تاکنون رسم بر این بوده است که وقتی در یک سازمان کمونیستی "سکتاریسم و آنارشیسم" حاکم شد عضو کمیته مرکزی به بورژوازی و خرده بورژوازی پناه آورد! در کجای تاریخ جنبش کمونیستی سراغ دارید و یا در آثار کلاسیک خواننده‌اید که وقتی "سکتاریسم و آنارشیسم" بر یک سازمان کمونیستی حاکم شد عضو کمیته مرکزی آن با

شهادت بهشتی است مردم میگفتند: "گور پدر بهشتی و همه سردمداران" ضمناً با طرح شعارهای برعلیه رژیم به مقابله همه جانبه با پاسداران برخاسته بودند. رژیم ۲۰۰ نفر از مردم را دستگیر و یک نفر طی درگیری به شهادت رسید. روز بعد ۸ تیر ماه مردم بعنوان اعتراض به دستگیری‌ها در مقابل شهرداری - جمع شدند و گفتند: "اگر دستگیر شده‌ها آزاد نشوند مجدداً اتوبان را خواهیم بست".



کار

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

دو هفته ۱۱ تیر ۱۳۵۸
ضمیمه کار شماره ۱۷ - صفحه ۴

خواسته‌های مردم افسریه و شاه‌آباد شرق

عدای از مردم شاه‌آباد شرق در ماه سرگشته‌ای که به دولت مهندس سیدی بازرگان نوشته‌اند ضمن تأکید بر حفظ دستاوردهای انقلاب و اشاره به وضعیت گذشته خود و اجماعاً دست‌نهایی که از جانب رژیم سابق و پس از آن عتبات ارتجاعی به اقتضای قانون عدم مردم‌سوی "خارج از محدوده" به نام ندامتنامه‌ها و اسطرح کرده‌اند. آنها مدارک و مستندات مبارزاتشان در راه گرفتن حقوق امانت‌سازان و محاربه شان با ماعتان شهرقاری در سال ۵۶ و ۵۷ نوشته‌اند:

"ما مردم افسریه و شاه‌آباد شرق سواره کرده‌ایم که نه فقط نام "خارج از محدوده" غیر کند بلکه با طرازی بوده و هست که از راه اجتناب از آسایش برخورددار کردیم.

خواسته‌های اساسی و فوری ما عبارت است از حل احتیاجات و خواسته‌های فوری و بهمن مردم افسریه و شاه‌آباد شرق - تأمین آب - برق - و کشتورمان، کلاس‌های پیچاکر باهی/سواد - بازگوا ایجاد فضای سبز، کتابخانه عمومی، سالن ورزش جدول و اسفالت و بل خیابان‌ها و چراغ راهنمایی مرتطابق سیستم‌های توبان برای جلوگیری از تصادفات. ظن عمومی، بیمارستان و رانینگ‌های (رایگان) مید کردک برای زنانی که کاری کنند. کلاس‌های رایگان خیاطی (سرای زنان) فرهنگساز، غذائی، اتومبوس شرکت واحد از شاه‌آباد تا خاهاان سروز (فرج آباد سابق) نصب و تعمیر چراغ خیابان‌ها.

توضیح و پوشش

در "جهان" شماره ۱۱ خبری در رابطه با عملیات مشترک پیشمرگان فدائی و حزب دمکرات در جاده مهاباد - اورومیه برعلیه رژیم جمهوری اسلامی به چاپ رسیده. ضمن پوشش از اشتباهی که در درج این خبر رخ داده، به اطلاع میرسانیم که پیشمرگان فدائی در این عملیات شرکت نداشتند. "جهان"

نیرونگ و فریب دیگر اثر ندارد

چندی قبل مدیرعامل کارخانه ایران ناسیونال کارگران دو شیفت صبح و عصر را به طور اجباری به جلسه سخنرانی خود فرا خواند. کارگران که میدانستند مدیر عامل دوباره میخواهد از تشدید کار و تولید بیشتر صحبت کند، از رفتن به سخنرانی سرباز زدند و عده زیادی از آنها به عناوین مختلف از شرکت در این جلسه خودداری کردند، بطوریکه مدیر عامل به آنان اعتراض نمود که چرا دو ساعت از وقت بیت‌المال را که صرف سخنرانی شده تلف کرده‌اند. مدیر عامل طی سخنان خود تاکید نمود که امسال نیز مانند سال گذشته حقوق کارگران در همان سطح باقی خواهد ماند ولی تولید باید بیشتر شود. کارگران که چنین دیدند به مدیرعامل اعتراض کرده و بزور دربهای سالن را که بسته بود باز نموده و با اعتراض جلسه سخنرانی را ترک نمودند.

عیدی رژیم "مستضعفین"

به دنبال خودداری رژیم از پرداخت عیدی به کارگران پارچه بافی ایگار شیراز، و اختصاص سهمیه عیدی کارگران این کارخانه به معارف جنگ با عراق، کارگران دست به اعتصابی گسترده می‌زنند. عوامل رژیم که از حرکت کارگران به وحشت افتاده بودند برای جلوگیری از اعتصاب به کارخانه ایگار یورش برده و کارگران را به گلوله می‌پندند. در حمله مزدوران رژیم تعدادی از کارگران مبارز این کارخانه به شهادت رسیدند و دهها تن زخمی و تعداد زیادی نیز بعد از دو ساعت زد و خورد با مزدوران رژیم به اسارت درآمدند.

دو هلی‌کوپتر

روزنامه خلیج چاپ بحرین گزارش داد روز پنجشنبه ۹ ژوئن و روز یکشنبه ۱۲ ژوئن دو فروند هلیکوپتر جمهوری اسلامی توسط غلبانان آن ربوده و به بحرین پناهنده شده‌اند. هلیکوپتر اول متعلق به شرکت نفت و دومی متعلق به نیروی دریایی جمهوری اسلامی بوده است.

بقیه در صفحه ۱۴

ادعای حفظ هویت ایدئولوژیکش به مپورژوازی و خرده بورژوازی آن هم از نسوع اسلامیش! بپیوندد. همه میدانیم سازمان مجاهدین خلق با شعار "این ماه ماه خون است خمینی سرنگون است"، در مهر ماه ۶۰ همه نیروهایش را به خیابان کشید و چگون در پایان آن ماه و آن سال (۶۰) این آرزو تحقق نیافت سرنگونی رژیم در سال بعدی (۶۱) وعده داده شد. (مراجعه کنید به پیام نوروزی سال ۶۱ آقای رجوی) و لابد به دلیل عدم تحقق این برآوردهای کودکانه و بر اساس "درایت" واعظ گونه رهبری مجاهدین به زودی تاریخ جدید دیگری نیز اعلام خواهد شد. حال میبرسیم آقای "سامع" کسبه از "پرخاشگری عصبی و کودکانه" مقاله "دو راه بیشتر وجود ندارد" ظاهراً اینقدر به خشم آمده است چرا خود به نیروهایی پناهنده شده است که با "درایت" کودکانه بخش اعظم نیروهای انقلابی را به علت بازیها "قیام" بدون تدارک سیاسی - نظامی لازم، به نابودی کشانده‌اند؟ او در این نامه به صورتی از مجاهدین و حزب دمکرات دفاع کرده است که گوئی وکیل مدافع این دو سازمان است! حداقل میدانیم که حزب دمکرات احتیاج به وکیلی مثل آقای سامع ندارد و توسط رادیو و نشریاتش میتواند نظریاتش را پیرامون این مقاله و بنا سایر مواضع ما ابراز دارد. (کاری که تاکنون انجام داده است) حزب دمکرات با سازمان ما رابطه سیاسی دارد، نظریاتش را بیان کرده است و میتواند جواب مندرجات نشریه کار را هم بدهد.

آقای سامع ادعا کرده است که مقاله "دو راه بیشتر وجود ندارد"، مجاهدین و حزب دمکرات را در کنار رژیم جمهوری اسلامی قرار داده است. بسیار خوب! به فرض آنکه چنین عملی انجام شده باشد. چندبار تاکنون مجاهدین ما را در کنار رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و سلطنت طلبان گذاشته‌اند؟ چند بار تاکنون نظرات ما را در مورد تاکتیکهای الزامی این مرحله از جنبش (و بویژه نقش مبارزه مسلحانه) تحریف کرده‌اند؟ چند بار تاکنون تحلیل‌های ما را در مورد ائتلاف سیاستیان با بورژوازی به صورت واژگونه جلوه داده‌اند که گوئی اختلاف ما با آنها از "تعدیت مانبا مجاهدین و خواست مجاهدزادگی" ناشی میشود؟ چند بار تاکنون آقای "رجوی" در محابه‌ها و پیامها، گفتارها و سخنرانی‌هایش به صورت کنایه از نابودی و تلاشی ما سخن گفته است و حتی مفاسد رکیکی به ما نسبت داده است؟ چرا یکبار آقای سامع یک مقاله در نشریه کارنشوخته است و با در نشریه ریگای گول، که تحت مسئولیت خودش منتشر میشده است، نسبت به این شیوه‌های ناپسند اعتراضی نکرده‌اند؟ حال یکبار به بهانه مقاله‌ای که صرفاً مبین دیدگاه سازمانی ما نسبت به مسائل مهم و حیاتی جنبش میباشد، به پاریس آمده تا به مجاهدین عرض کند که این کار بی‌پرنسیبی است!؟ در کجای دنیا سراغ دارید که وقتی پرنسیب کمونیستی در یک سازمان بزرگ سوال میرود باید پرنسیب‌های بورژوازی جانشین آن شود؟! همچنین وی با ندامت از گذشته خودش و با زیرپا گذاشتن کلیه اصول و پرنسیبهای تشکیلاتی و تحریف واقعیات، میخواهد ثابت کند که در سازمان ما هوادار شورای ملی مقاومت وجود دارد! زمانی این ادعا درست بود که وی قبل از اخراجش یعنی بعد از برگزاری کنگره (از یکسال و نیم پیش تا کنون) حداقل یکبار در زمینه این ادعایش با توجه به مسئولیتش مطلبی به تشکیلات مینوشت پس چرا وی که در مرکزیت بوده مبارزه ایدئولوژیک نکرده است؟! حقیقت این است که غریزه طبقاتی این افراد طوری است که تمایلات تسلیم طلبانه و اپورتونیستی خود را همیشه میپوشانند و در هنگام عجز هرچه به آنها تکلیف‌کنند میگویند. وی در همین ندامت نامه - اش می‌نویسد که سازمان ما برخوردار به ظاهر "چپ" دارد ولی در مضمون "راست" است! و او هم از موضع خود در کمیته مرکزی مخالف این مواضع بوده است. کدام مخالفت؟ اگر منظور وی بحثهای درون کمیته مرکزی است که این در همه سازمانها امری طبیعی است ولی اگر جداً مخالف این مواضع بوده است پس چرا سازش کرده است و نظراتش را در درون تشکیلات ارائه نداده است که حال اینقدر عاجزانه به "مسئول اول" و "دوست همرزمش" نامه می‌نویسد.

او به دروغ ادعا کرده است که اخراجش برخلاف اساسنامه

بقیه در صفحه ۱۴

پینوشه: «آقایان همین است و بس»



۱۲ جولای ۱۹۸۲ ، مقابل در ورودی دانشگاه سانتیاگو ، شیلی

جزئی به برخی اتحادیه‌های کارگری. ژنرال پینوشه در پی این "سخاوت‌مندی" به مخالفین خود هشدار داد که بهیچ وجه، هیچگونه اعتراضی تحمل نخواهد شد و هیچگونه امتیاز دیگری نیز نخواهد داد، مضافاً اینکه با ایستی فکر استعفا و با مصالحه وی رابا مخالفین به بوته فراموشی بسپارند. وی همچنان که در شأن یک دیکتاتور است گفت: "آقایان، همین است و بس". پینوشه علیرغم میل بعضی از مشاوران خود که خواهان اتخاذ سیاستهای "ملایمتری" هستند برای چندمین بار ایده بازگشت به دموکراسی را به شدت رد کرد. وی به صراحت گفت: "دموکراسی بهترین زمینه رشد مارکسیسم است".

اما بر خلاف میل دیکتاتور پینوشه و نگرانی امپریالیسم آمریکا، مردم شیلی در روز ۱۲ ژوئیه نیز به خیابانها ریخته، شعارهایی در رابطه با آزادی و مخالفت با حکومت پینوشه دادند. در چند نقطه شهر بمب‌هایی منفجر شد، دانشجویان و مردم با پلیس به زدو خورد پرداختند. دولت نظامی پینوشه برای مقابله با تظاهرکنندگان علاوه بر دستگیری عده بسیاری، به مطبوعات دستور داد تا به هیچ وجه به تظاهرات و یا فعالیت‌های احزاب مخالف اشاره نکنند. و بالاخره برای سرکوب و مقابله با مخالفین، تقریباً در سرتاسر شیلی حکومت نظامی اعلام نمود. سربازان و افراد پلیس در اکثر شهرها مستقر شدند و پست‌های نگهبانی برای تقویت آنها در نواحی مختلف شهر تشکیل گردید. اما تظاهرات کنندگان هم بیکار ننشستند. بلافاصله اطلاعیه‌هایی در سطح شهر پخش شد که در آن از مردم خواسته شده بود از پنجره‌های خانه خود به بیرون خم شده و با زدن ظروف آشپزخانه به یکدیگر اعتراض خود را به گوش دولت نظامی برسانند. شب فرا رسید و مردم چنین کردند، حتی مقررات منع عبور و مرور را هم زیر پا گذاشته و در چند مورد به خیابانها ریختند. در آن شب در سرتاسر سانتیاگو و چند شهر دیگر صدای بهم خوردن ظروف آشپزخانه شوروهیجان به پا کرده بود.

در جریانات اخیر سازمانها و گروههای چپ نقش عمده‌ای نداشتند. بعد از کودتای ۱۹۷۳ و ضربات مهلک بر این نیروها، عمده توان آنها صرف بازسازی تشکیلاتی، انسجام درونی و مبارزه اندئولوژیک جهت تدوین خط و برنامه برای انقلاب شیلی شده است.

رودولفو سیکول Rodolfo Seguel ۲۹ ساله، رئیس کنفدراسیون کارگران معادن مس را به دنبال داشت و بالاخره روزی که به دنبال آن مردم شیلی اولین شهدای این دوره از مبارزات خود را تقدیم جبهه نمودند.

ماه ژوئیه نیز ماه ادامه اعتراضات بود. در هفته اول این ماه تظاهراتی از جانب دمکرات مسیحی‌ها، سوسیال دمکرات‌ها، و رادیکال‌ها که همگی احزاب دست راستی میانه‌رو هستند ترتیب داده شد و در پی آن عده‌ای از رهبران آنها منجمله گابریل یل ولدز Gabriel Valdes رهبر حزب دمکرات مسیحی که بزرگ‌ترین حزب قانونی می‌باشد، دستگیر شدند. بلافاصله بعد از دستگیری ولدز، سفیران و کارداران تجارتي کشورهای بازار مشترک اروپا به وزارت خارجه رفته و اعتراض خود را نسبت به بازداشت ولدز و دیگر رهبران احزاب اظهار داشتند.

از سوی دیگر دولت نظامی پینوشه در دو هفته اول ماه ژوئیه مجبور شد تا امتیازهای کم اهمیتی به معترضین علیه دولت بدهد و همزمان نیز کوشش نمود تا قدرت مانور را از کنترل مخالفین خارج ساخته و به نفع خود تغییر دهد. بعبارت دیگر پینوشه همان سیاست قدیمی شلاق و نان قندی را به کار گرفت. این امتیازها عبارتند از: لغو سانسور کتاب، اجازه بازگشت به برخی کوچکی از مخالفین در تبعید و امتیازهایی

سیتا مبر آئینده برابر خواهد بود با دهمین سالگشت کودتای امپریالیسم آمریکا در شیلی که منجر به سقوط دولت مترقی سالوادور آلنده گردید. در طی این ده سال مردم شیلی دیکتاتوری فاشیستی ژنرال آگوستو پینوشه، دست‌نشانده سازمان سپای آمریکا را با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اند. بحران جهانی سرمایه‌داری سالهای اخیر، بر اقتصاد وابسته شیلی هم تاثیر گذاشته و به همین جهت بحران عظیم اقتصادی، بدهی‌های کلان به بانکهای خارجی و بیکاری بیش از ۲۰ درصد گریبانگیر جامعه شیلی شده است. در نتیجه دولت نظامی پینوشه که در پاسخگویی برای حل بحران ناتوان است، در ماههای اخیر با اعتراضات گسترده توده‌ای و کارگری مواجه شده است.

ماههای مه و ژوئن زمان شروع طپیدن دوباره جنبش بود. پس از ده سال رکود سیاسی، جنبش بپا خاست. ۱۴ ژوئن به عنوان روز اعتراض و تظاهرات سراسری در شیلی به ثبت رسید. روزی که کارگران معادن، زنان خانه دار و کارمند، دانش‌آموزان و دانشجویان، معلمین و استادان دانشگاه و... به خیابانها ریخته و خواهان برکناری ژنرال پینوشه و خاتمه دولت نظامی در شیلی شدند. روزی که در پی خود دستگیری بیش از ۱۰۰۰ نفر کارگران اعتصابی معادن مس و ده‌ها تن از رهبران تظاهرات منجمله

لازم به توضیح است که در حال حاضر دو گروه بندی از سازمان های چپ تشکیل شده است. در گروه اول جنبش انقلابی چپ (MIR) The Movement of the Revolutionary Left حزب کمونیست Communist Party و بخش هایی از سوسیالیست ها و رادیکال ها که تا سال ۱۹۶۰ جناح چپ حزب دمکرات مسیحی را تشکیل میدادند، گرد آمده اند.

در گروه دوم مسیحیان چپ (IC) The Left Christians ، مپو MAPU و مپو کارگر و دهقان MAPU-Worker/Peasants و بخش هایی از حزب سوسیالیست گرد آمده اند. ارزیابی از کم و کیف این جریان های سیاسی و اطلاع از چگونگی برنامه آنها برای شرایط کنونی مقاله جداگانه ای را می طلبد که در شماره های آینده به آنها خواهیم پرداخت.

.....

شیلی در برابر پینوشه

مقامات دولتی شیلی روز اعتراض مسالمت آمیزی را که در ۱۱ مه توسط کنفدراسیون قدرتمند کارگران معادن مس سازماندهی و از طرف سایر سندیکاها نیمه قانونی و یا مخفی حمایت شده بود "عادی" ارزیابی کردند در حالیکه نظر سازماندهندگان این تظاهرات که اشکال گوناگونی به خود گرفت و در مقاطع چندی پرهیاهو بود و نیز نظر روزنامه های محلی چنین نیست. در سانتیاگو بیش از صد نفر دستگیر شده اند همچنین طبق گزارشات واصله در شهرستانها نیز تعدادی دستگیر شده اند. برخی از دستگیر شدگان کشتیش میباشند. تظاهرکنندگان در خیابانهای پایتخت تظاهرات را شروع کردند و بدون درگیری آن را به مراکز کار، دانشگاهها و مدارس گسترش دادند. ۷۰٪ دانشجویان و دانش آموزان از رفتن به کلاس خودداری کردند. در این روز بازار خرید و فروش به کندی جریان داشت و شهر تقریباً به حال تعطیل درآمد بود. وقوع یک سری حرکات ناموفق منجر به تقابل پلیس با تظاهرکنندگان به خصوص با وکلا در صحن یک دانشگاه در مقابل کاخ دادگستری شد. حوالی عصر طبق دستور سندیکاها کنسرت های نمایشی بلندگو و "دیگ" به اجرا درآمدند. این حرکت وسیع اعتراضی بیانگر مخالفت اکثریت مردم شیلی با رژیم خودکامه ژنرال پینوشه است.

این امکان وجود دارد که عدم مداخله آمریکا نیز نتواند پینوشه را که در مقابل عظرات رو به افزایش قرار گرفته است، نجات دهد.

.....

دو نفر کشته و ۵۵ نفر دستگیر شدند

در گزارش دیگری از لوموند آمده است که در تظاهرات روز ۱۱ مه در شیلی ۲ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی شده اند. همچنین حدود ۵۵ نفر در این روز دستگیر گردیدند در حومه شهر سانتیاگو در حین درگیری نیروهای نظامی و صدها تظاهرکنندگان که لاستیکهای ماشین را آتش زنده بودند، افراد پلیس دو جوان را به قتل میرسانند. این دو قربانی در تظاهرات شرکت نداشته اند طبق گفته مقامات دولتی، این روز - اعتراضی بعد از به قدرت رسیدن نظامیان

رئیس کنفدراسیون سندیکاها اعلام کرد که "این اولین گام در راه رهایی کامل خلق است." طبق تفسیر وی، حرکت اخیر در دوره بعد از کودتای سپتامبر ۷۳ که منجر به سرنگونی دولت اتحاد خلقی سالوادور آلنده شد بی سابقه بوده است. علائم مخالفت با دولت از یک سال پیش تاکنون به چند برابر افزایش یافته است. ورزشکتهی "مدل" اقتصادی فوق لیبرالی که توسط کمپانی "پسران شیکاگو" آقای میلتون فریدمن توصیه و اجرا میشد باعث شد که رژیم از حمایت بخش خصوصی ناراضی شیلی محروم بماند سرمایه داران کوچک ورشکسته نیز به صف ناراضیان و افراد ناامید از دیکتاتوری به دمکراتهای مخالف رژیم می پیوندند. حتی نیروهای دست راستی افراطی نظیر "وطن" و "آزادی" رژیم نظامی را به تندی افشاء میکنند. حتی اگر اسقف سانتیاگو که توسط



دانشگاه سانتیاگو، پلیس فدشورشی دانشجویان را به پشت میله ها رانده است

در سال ۱۹۷۳ بی سابقه بوده است. پس از یک آرامش کوتاه از ساعت ۲۲ به وقت محلی، درگیری ها مجدداً شروع شده و تا سرگناه روز پنجشنبه ادامه داشته است. تعداد بسیار زیادی از تظاهرکنندگان در صفوف منظم تا نزدیکی های کاخ ریاست جمهوری موند و وزارت دفاع و نیروهای کل قوای نظامی پیشرفته بودند. با اینحال در نزدیکی های صبح روز پنجشنبه نیروهای نظامی توانستند کنترل مرکز و حومه شهر سانتیاگو را که یکی از مراکز درگیری های خشونت آمیز بود به دست گیرند. به قول آقای ادوارد ریوس، رهبر اتحادیه دمکراتیک کارگران (U.D.T.) که یکی از رهبران سندیکای مهم شیلی است: "دولت میبایست به حرفهای کارگران گوش کند. برای اولین بار بعد از ده سال ما ناراضیانی مان را به شیوه ای سازمان یافته ابراز کردیم و این دلیلی است بر بلوغ کارگران شیلی"

واتیکان به این مقام منصوب شده است روحیه سازشکارانه ای از خود نشان دهد، رابطه کلیما با پینوشه همچنان سرد خواهد ماند. این تمام شیلی است که ده سال پس از سرنگونی "اتحاد ملی" خواهان برقراری آزادیهای اولیه دمکراتیک و برگشتن به سیستمی است که اتکالیش به پلیس سیاسی و سرنیزه است. روند ایجاد فضای باز سیاسی که وسیعاً در آرژانتین و برزیل به اجرا گذاشته شده است باعث تشویق مردم شیلی میشود. ولی ژنرال پینوشه از آتفائی نیست که خودش قدرت را واگذار کند وی تا کنون موفق شده است نظامیان را که هوای جانشینی او را دارند از دستگاه دولتی دور کند. ظاهراً نیروی زمینی هنوز از او حمایت میکند و این خود عامل مهمی است. دولت ریگان هم که غرق در مسائل آمریکای مرکزی است برای یافتن "یک کاندید جانشینی" برای ژنرال پینوشه تلاشی نمیکند. ولسی

السالوادور

۱۵ اخلبان آمریکا

روز پنجشنبه ۱۲ مه چریکهای السالوا - دور اعلام کردند که یک گروه مرکب از ۱۵ اخلبان آمریکا به "عملیات شناسایی و بمباران" مناطق تحت کنترل چریکها اقدام کردند. طبق گفته رادیو جبهه آزادیبخش ملی فارابوندو مارتی (FMLN) هواپیما های مافوق صوت منطقه گوازاپا در شمال پایتخت السالوادور را با بمبهای فسفری بمباران کرده اند (آژانس خبری فرانسه AFP) ۰۰۰۰۰

یک نظامی آمریکایی زن حامله و

کودکی را به کوره آتش انداخت

روز پنجشنبه ۱۲ مه یک درجه دار ارتش السالوادور که توسط چریکها دستگیر شده است اعلام کرد که در ماه دسامبر سال ۱۹۸۱ مشاورین نظامی آمریکا در قتل عام اهالی ال موزوت در شمال شرقی کشور که طی آن بیش از هزار تن از اهالی این ناحیه - قتل عام شده اند مستقیماً شرکت داشته اند. روز پنجشنبه جبهه آزادیبخش ملی فارابوندو مارتی اظهارات سرجوخه مارکوئتولیو - موران - بورگوس که در روز ۲۲ آوریل در منطقه چلاتناگو به دست چریکها دستگیر شده است را منتشر کرد. وی که عضو گارد منتخب اتلاکامل بوده در عملیات نظامی دسامبر سال ۸۱ شرکت داشته است وی گفته است که پس از تخریب نقاط مسکونی ال موزوت دو نفر آمریکایی به محل قتل عام آمده و در مورد چگونگی کشتار یادداشتها - برداشتند. طبق گفته این سرجوخه یکی از آمریکایی ها با مشاهده یک زن حامله و یک کودک که هنوز زنده بودند، برای روشن کردن کوره ای که در نزدیکی محل واقع بود تقاضای کمک میکند. "وقتی آتش کوره بالا گرفت آمریکایی فوق الذکر زن حامله و کودک را به داخل کوره پرتاب میکند تا زنده زنده بسوزند (خبرگزاری رویتر - آژانس خبری فرانسه - AFP) ۰۰۰۰۰

مشاورین نظامی آمریکا

در السالوادور ترور شد

چریکهای جبهه آزادیبخش ملی فارابوندو مارتی طی عملیاتی در نزدیکی سن ویسنت در قسمت شرقی سان سالوادور یک پل جاده پان



چریکها و کثا ورزان السالوادور در یکی از مراکز تجارتنی بالت مورازان، شخصی که پیراهن چهارخانه بدن دارد فرمانده چریکها آنیبل پالاجیو است

آمریکن که ۵۰ سرباز از آن محافظت میکردند را منهدم کردند. در این عملیات ۴۴ تن سرباز کشته شدند. مقامات نظامی سان - سالوادور ضمن اعلام این خبر تصریح کردند که یک سری نیروی کمکی به منطقه فرستاده اند و در همان روز یک پل موقتی به جای پل منهدم شده ساخته اند. از طرف دیگر روز چهارشنبه یک مشاور نظامی آمریکایی به ضرب چهار گلوله در پارکینگ یکی از دانشگاههای سان سالوادور کشته شد. این فرد، کاپیتان پوزل برگر از لحاظ اهمیت دومین مشاور نظامی آمریکا در ارتش السالوادور بود. این ترور توسط چریکهای FPL بزرگترین نیروی - جبهه آزادیبخش ملی، فارابوندو مارتی، انجام گرفته است. ۰۰۰۰۰

تصرف

یک مرکز مهم ارتباطی

رادیوی چریکهای السالوادور، ونسرموس اعلام کرد که در روز سه شنبه ۲۱ مه، چریکهای جبهه آزادیبخش ملی، فارابوندو مارتی یکی از مراکز مهم ارتباطی ارتش واقع در ۱۹۰ کیلومتری شمال شرقی سان - سالوادور را به تصرف خود درآوردند. رادیوی چریکها اعلام کرد که در جریان تصرف این مرکز مهم ارتباطی ارتش که پس از یک نبرد ۲۰ ساعته به دست چریکها افتاد تعداد زیادی از نیروهای نظامی رژیم به هلاکت رسیدند. اهمیت این مرکز ارتباطی از نقش آن در تأمین تمامی ارتباطات ارتش با مناطق شرقی کشور ناشی میگردد.

"مشاورین نظامی آمریکایی

در السالوادور در تابت

با زخا هندگشت

روز چهارشنبه ۱ ژوئن نیروهای آزادی - بخش خلق FPL که یکی از سازمانهای عضو جبهه آزادیبخش ملی، فارابوندو مارتی، است طی اطلاعیه ای اعلام کرد که "کلیه مشاورین نظامی آمریکایی در السالوادور که به اینجا فرستاده میشوند، در تابت باز خواهند گشت." چریکهای FPL که هفته گذشته مسئولیت ترور یک مشاور نظامی آمریکایی به نام شوفل برگر را به عهده گرفتند، طی اطلاعیه ای به رادیوهای محلی سان سالوادور اعلام کردند که تا خروج تمامی مشاورین نظامی آمریکا، کشتن آنها نیز ادامه خواهد داشت. ۰۰۰۰۰

تسلیم رهبران فنلا

هشت تن از رهبران نظامی "جبهه ملی برای آزادی آنگولا" - فنلا (FNLA) خود را تسلیم رژیم انقلابی آنگولا نمودند. سه تن از رهبران "فنلا" طی یک مصاحبه مطبوعاتی این جریان را محکوم نموده اند و از باران گذشته خود خواستند تا جهت تشکیل جبهه مشترک برضد آفریقای جنوبی به آنان پیوندند. از هنگام پیروزی انقلاب آنگولا و شکست امپریالیسم پرتغال در سال ۱۹۷۵، "فنلا" به چندین عملیات ضد انقلابی بر علیه جبهش رهائی بخش خلق آنگولا "مپلا" (MPLA)



سالگرد قیام سوئتو گرامی باد

هفت سال پیش در چنین روزی خشم و نفرت مردم سیاهپوست آفریقای جنوبی وقتی به اوج خود رسید که رژیم پرتوریا قانونی طرح کرد که بر اساس آن هویت فرهنگی آنان کاملاً نفی می‌شد. بر حسب این قانون، زبان آموزش - آفریقای جنوبی کلا به آفریکانس یعنی زبان اقلیت سفیدپوست این کشور برگردانده شد. بدنبال طرح این قانون بیش از ده هزار دانشجو در شهرک فقیرنشین سوئتو بسیج شده و یک راهپیمایی مسالمت آمیز برپا داشتند. بنا بود راهپیمایان در پایان راه در محفل استاد یوم ورزشی شورا اجتماع نمایند. اما صف پلیس جلوی ورود جمعیت را به استاد یوم گرفته و با پرتاب گاز اشک آور در صدد متفرق کردن جمعیت پرآمد. اما جوانان مقاومست کرده با آتش زدن ماشینهای پلیس و ساختمان های دولتی و با مشت و سنگ و آجر به مقابله با حملات پلیس پرداختند.

طی یورش پلیس بیش از ۱۴۰ جوان و کودک کشته و ۹۰۰ نفر دستگیر شدند. کارگران و کشاورزان و سایر توده های زحمتکش نیز به دانشجویان پیوستند بطوریکه تظاهرات - حداقل به ۷ شهرک دیگر نیز کشیده شد. اما پلیس با استفاده از گلوله های مهلک تره گاز اشک آور و مسلسل و نارنجک انداز قیام مردم را به خون کشید.

مبادرت ورزیده است. مدافعین اصلی بین المللی "فنلا" که مرکز عملیاتی آن در ژنبر است تاکنون عبارت بوده اند از: آفریقای جنوبی، بلژیک، چین و ایالات متحده، آنگولا نیز یکی از جوامعی است که در آن مائوفیستها دست در دست امپریالیستها بر علیه انقلاب آن به توطئه می پردازند. تسلیم رهبران "فنلا" برای چندمین بار (به خصوص پس از کامبوج، افغانستان و اخیراً تایلند) ورشکستگی تزیهای مائوفیستی در سطح جهان را نمایان میکند.

تظاهرات برای سقط جنین

در روز ۲۶ ماه مه تظاهراتی با شرکت پنجاه هزار تن در شهرهای مختلف اسپانیا برگزار شد. این تظاهرات با خواست قانونی نمودن سقط جنین در مادرید، بارسلون و چند شهر مهم دیگر در اسپانیا برگزار شد. چند روز قبل از این تظاهرات، حزب سوسیالیست حاکم بر اسپانیا پیشنهاد خود را مبنی بر قانونی کردن سقط جنین تنها در موارد تجاوز، غیرطبیعی بودن نوزاد و یا مخاطر سلامتی مادر، تحویل پارلمان این کشور نموده بود. این درست برخلاف موضعی است که حزب سوسیالیست اسپانیا قبل از پیروزی در انتخابات این کشور گرفته بود. پارلمان اسپانیا قبلاً پیشنهاد حزب کمونیست را مبنی بر قانونی نمودن سقط جنین حین دوازده هفته اول بارداری رد نموده است.

نیروهای انقلابی و مشرقی در کشورهای مختلفه برنامهای بمناسبت هفتمین سالگرد قیام خونین سوئتو و همبستگی با مبارزات خلقهای تحت ستم این کشور برپا داشتند. از جمله کنگره ملی آفریقا (ANC) و سواب (SWAPO) با انتشار بیانیه های اعلام کرده مردم تحت ستم آفریقای جنوبی راه سوئتو را ادامه داده و خود را برای حمله نهایی به رژیم نژادپرست پرتوریا آماده می سازند. در این بیانیه به تداوم سرکوب مبارزین توسط رژیم از جمله اعدام اخیر ۳۳ تن از انقلابیون عضو (ANC) اشاره شده است.

رژیم فاشیست پرتوریا با وجود حتی درخواست سازمان ملل، سازمان عفو بین الملل و چندین دولت و از جمله تعدادی سناتور آمریکایی مبنی بر خودداری از اعدام افراد مزبور و علیرغم تظاهرات و فشار نیروهای بقیه در صفحه ۴۱

بحران جنبش فلسطین

بقیه از صفحه ۳۳
لنینیستی دارند حزبی که نتوانند تا دم و پیروزی انقلاب فلسطین را در رسیدن به اهداف خود تضمین نمایند.

در اطلاعیه مشترک آمده است "کسسه تصمیم به نزدیکی و اتحاد بین این دو جریان بر اساس نزدیکی مواضع آنها در زمینه مسائل ملی و سیاسی و نیز ایدئولوژی مشترک بود است". در اطلاعیه به این نکته اشاره شده است که "هدف از این گام وحدت و ایجاد یک توازن قوای جدید در درون PLO نیست هدف ما از این وحدت کمک به تحکیم اتحاد در صفوف تمام نیروهای درون PLO میباشد و



نایف حواتمه جورج حبش

آنها تنها نماینده مشروع مردم فلسطین در رسیدن به حقوق ملی خود میدانیم". سخنگوی DFLP نیز تا "کید کرده است از آنجا که امپریالیسم و صهیونیست ها و ارتجاع عرب سعی دارند حداکثر استفاده را از اختلافات درون سازمان الفتح بنمایند و بدینوسیله

روحیه مبارزین درون صفوف PLO را تضعیف کنند. اما تنها نمودار استحکام و تقویت جنبش فلسطین و در جهت تأمین وحدت و نقابلی در درون آنست. بدنبال این اتحاد پیام های تبریک مختلفی از جانب دیگر نیروهای درگیر در جنبش فلسطین به این مناسبت ارسال شد. از جمله اولین پیام های ارسال شده پیام یاسر عرفات رهبر سازمان الفتح و فرمانده کل جبهه آزادی بخش فلسطین (PLO) بوده است. پیام های دیگری نیز از جانب علی ناصر محمد دبیر کل حزب سوسیالیست یمن و رئیس جمهور، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و محسن ابراهیم دبیر کل سازمان عمل کمونیستی در لبنان و خالد قاهوم رئیس شورای ملی فلسطین و ۱۰۰۰ ارسال گردید.

اطلاعیه:

و بدون تشکیل کنگره سازمانی بوده است. طبق ماده ۶۵ اساسنامه: "کمیته مرکزی میتواند یک عضو خود را به خاطر فقدان دیسیپلین و رفتار نادرست و فعالیت‌های ضد سازمانی با ۱/۳ اعضای حاضر که بهر حال بایستی بیش از نیمی از مجموع آراء کمیته مرکزی باشد اخراج کند" (نقل از اساسنامه سازمان). بر طبق مصوبات کنگره آقای سامع میتواند در سازمان بماند و با حفظ اصول و پرنسپهای کمونیستی و با تعهد در جهت پیشبرد خط مشی تصویب شده در سازمان حرکت نموده و مبارزه ایدئولوژیک بنماید، ولی بنا نبوده است که خط مجاهدین و "شورای ملی مقاومت" را به پیش برده در ضمن فردی که وی تحت عنوان "مشاور کمیته مرکزی" از آن یاد کرده است قبل از آنکه استعفا بدهد خلع مسئولیت شده بود و دیگر سمت مشاور کمیته مرکزی هم نداشت و تنها عضو سازمان بود که قبل از آنکه از لحاظ تشکیلاتی وضعیتش مشخص شود، استعفاء داد. در پایان آقای سامع از "مسئول اول" تقاضا کرده اند: "بدین وسیله از شما درخواست میکنم که بهر طریق که خود صلاح میدانید مفاد نامه فوق را به اطلاع کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران، اعضاء و هواداران و میلیشیا ی قهرمان مجاهدین خلق برسانید." حال پرسیدنی است اصلاً به آقای رجوی چه مربوط است که بخواهند نامتنامه وی را آنها هر طور که وی صلاح بداند به اطلاع "کادر رهبری، اعضاء و هواداران و میلیشیا برسانند"؟ چرا به اطلاع مردم ایران نرسانده است؟ مسئول اول مجاهدین آقای رجوی چه مشکلی از جنبش کمونیستی ایران میتواند حل کند؟ او در پایان هم قول داده است که مشروح سایر مسائل را در پرده دوم این نمایش تهوع آور خواهد گفت. آنها نه بخاطر خودش! اصلاً! بلکه صرفاً به منظور "دفاع از حریم اصولی و انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و پاسداری از خون شهیدان پرافتخار آن" آقای سامع نمیدانند که با این ندامتی که به جای آورده است، اعضاء و هواداران سازمان سنگ دارند که بگویند وی از هم‌زمان قلیباشان بوده است.

اگر وی شاهد "سکتاریسم و آنارشیسم" بوده است چرا مبارزه ایدئولوژیک نکرده است و اگر به ناحق اخراج شده است نسبت به مردم مبارز ایران دین خود را ادا نکرده و در جامعه بانگ بر نیاورده است و ضمن ارائه "خط انقلابی" خود از آن دفاع ننموده است. اما حقیقت آنست که همانطور که تعلقات طبقاتیش بر ما معلوم گشت وی نیز پاسدار حفظ ارتش شاهنشاهی، جمهوری "دمکراتیک اسلامی" حفظ دستگاه بوروکراتیک و ماشین سرکوب دولت بورژوازی میباشد و اکنون با اظهار ندامت از مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر و زحمتکشان و تسلیم به یک خط مشی سازشکارانه و دامن زدن به جو مسموم و تلاش در جهت وارونه جلوه دادن حقایق و ضربه زدن به سازمان، نه تنها نسبت به جنبش کمونیستی بلکه نسبت به جنبش انقلابی نیز مرتکب خیانت شده است. او فکر میکند چون دیگران میگویند آقای سامع تا دیروز در مرکزیت سازمان بوده است و این برای ما خوشایند نیست!! بنا بر این سازمان از گفتن حقیقت در سطح جنبش خودداری میکنند و وظایف انقلابیش که همانا گفتن این حقایق است خودداری مینماید و وی با آقای رجوی به مراد خویش میرسند؟! گوئی که اولین بار است که در دنیا خائن پیدا شده و اولین بار است که در مرکزیت یک سازمان انقلابی افرادی از قماش وی راه یافته اند و گوئی که مبارزه بلشویکها با خائنین مشروطه طلب و گادتها وجود مارتف مرتد در کنار لنین کبیر از تاریخ حذف شده است. حقیقتاً عمل وی هیچ معنایی بجز روسپیگری سیاسی ندارد چرا که وی میتواند با ارائه نظراتش و نه به طور غیر آبرومندانه، به "شورای ملی مقاومت" پیوندد، بدون آنکه بدین شکل تبدیل به بازبچهای گردد.

و اما در باره توضیح "مجاهد":

انگیزه مجاهدین از دست زدن به چنین اعمالی در این شرایط حساس میبایست بدرستی شناخته شود. بدون شک نتایج زیان بار توطئه مجاهدین خلق علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فقط میتواند به نفع امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی تمام شود. حال مجاهدین خلق هستند که باید در پیشگاه خلق پاسخ دهند چه عوام مسل

کمیته صلوات

تعدادی از معتادین را در میادین مختلف از جمله میدان امام حسین شلاق زدند، معتادین را با مینی‌بوسهای زندان آورده و در ملا عام شلاق میزدند. از مردم نیز میخواستند صلوات بفرستند که بجز تعداد قلیلی مزدور، یسا نا آگاه که صلوات میفرستادند، بقیه با ناراحتی و تنفر به صحنه میگریستند.

شماره یک!

آخوندی را در خیابانهای شیراز بدار آویخته و روی سینه اش نوشته اند شماره یک. شایع است که وی از مسئولین اداره سیاسی ایدئولوژیک نیروی دریایی بوده است.



اخیراً با انتشار بولتن شماره ۷ مبارزه ایدئولوژیک علنی در رابطه با موضع گیری رفیق نویسنده بولتن ۷ ابهاماتی درباره نظر سازمان نسبت به سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کوله) بوجود آمده است. از آنجا که بولتنهای مبارزه ایدئولوژیک علنی انعکاس رسمی نظرات سازمان نمیباشد، لذا مسئولیت مطالب مندرج در این بولتنها متوجه رفقای نویسنده است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کمیته خان از کشور

منتشر شد



دیکتاتوری

و

تبلیغ مسلحانه (قهر)

از انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

وقتی گلوله بسیجی ها خطا می رود

در تاریخ ۷ مرداد ماه بسیجی ها در میدان
بروجردی تهران به یک ماشین ایست میدهند
که راننده متوجه ایست آنها نمیشود سپس
بسیجی ها شلیک میکنند، یک مادر و دختر
در پیاده رو مورد اصابت گلوله قرار گرفته،
مادر کشته میشود و دختر که گلوله نخاعش
را قطع کرده بود، فلج میگردد.

.....

نهایت وقاحت

بریکی از خیابانهای تهران پاسداران گشت
به زن وشوهری مشکوک شده و به آنها ایست
میدهند زن که حجاب نداشته خود با
استمال کاغذی رژ لبش را پاک میکند، -
با ایداری میآید و دستمال را از دست زن گرفته
و دوباره روی لبان زن میزور میکشد و لبی
بین بار تیغی را در درون دستمال میگذارد
بدین ترتیب زن نامبرده مجروح و به بیمارستان
منتقل میشود. (چندین مورد دیده شده است که
زنان بی حجاب را پس از توقیف به بهشت زهرا
برده و آنان را وادار ساخته اند مرده ها را -
شویند.)

.....

روابط حسنه فاشیستها

طبق گزارش روزنامه اطلاعات، یک هیئت
۱۸ نفری به سرپرستی بهزاد نبوی عازم ترکیه
شد. این هیئت به دنبال توافق های سال
گذشته هیئت ۱۰۰ نفره ترکیه به ایران
انجام میگردد. طبق گفته بهزاد نبوی، حجم
تبادلات ایران و ترکیه در سال گذشته به
۲ بیلیون و ۲۰۰ میلیون دلار بالغ گردید که
این مبلغ به ۲/۵ بیلیون دلار در سال -
جاری افزایش خواهد یافت. طبق این
موافقتنامه، ترکیه حاضر شده است که بنادر
خود را برای تحویل گرفتن کالای خریداری
شده ایران از اروپا به این امر اختصاص
دهد و کالاهای تحویل گرفته شده از طریق
حاکم ترکیه با همکاری کامیونهای ترکیه به
ایران حمل خواهد شد. وی افزود کالاهای مورد
نیاز که از ترکیه خریداری میشود عبارتند
از: شکر، گندم، گوشت، جود، حبوبات،
خوراک دام و مواد اولیه کارخانجات داخلی
و تراکتور و ... لازم به گفتن است که رژیم
ایران با دولت فاشیستی ترکیه روابط بسیار
حسنة دارد و طبق ادعاهای خودشان دولت
ترکیه دوست و برادر جمهوری اسلامی میباشد
و الحق که چنین است.

.....

و انگیزه هاشی آنان را به این اقدامات کشانده است؟ آیا چرخ جدیدی در سیاست
مجاهدین در رابطه با محافل بین المللی امپریالیستی به وجود آمده؟ و یا درک
محدود آنها از مسائل اجتماعی آنان را به چنین اعمالی واداشته است. به یقین در روزهای
آینده تمامی این ابهامات را مجاهدین خلق روشن خواهند نمود چرا که آنان با
وعده هاشی که در نشریه "مجاهد" به مردم داده اند، تصمیم گرفته اند با استفاده از
شرایط آقای سامع هدف نهائی خود را به گونه ای عریان تر باز گو نمایند.

باید از مجاهدین خلق پرسید اگر شما به خود اجازه میدهید که وارد اختلافات یک سازمان
مارکسیست - لنینیست بشوید و عنصری را که از آن سازمان اخراج شده است بدین شیوه
از آن استفاده نمایند. بنابراین به سایر سازمانهای انقلابی توصیه میکنید و
آنها نیز مختارند نوشته های مجاهدین خلق را که به آن سازمانها پیوسته اند، منتشر
کنند. بنابراین شما به ما پیشنهاد کرده اید که نامه های نه یک نفر بلکه آن عده از
مجاهدین را که ظرف سه ماه گذشته در تهران، کردستان و در سایر مناطق به سازمان
ما پیوسته اند علیرغم میل خود منتشر کنیم. اگر چنین نیست و شما با چنین شیوه هاشی
مخالفت میکنید پس چرا به محض اخراج آقای سامع ظرف سه روز وی را به پاریس منتقل نموده
و نامه ای به او تکلیف میکنید که محل امضا آن به دروغ کردستان قید شده است.
بهر صورت ما ندامت نامه آقای سامع را ملاحظه کردیم و در هیچ جای این نوشته
ندیده ایم که وی از خود به عنوان "پسر سابقه ترین عضو مرکزیت سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران" یاد کرده باشد دو حالی که شما برای عوام قریبی و به دروغ عنوان
پرسابقه ترین عضو مرکزیت را نیز به وی داده اید ما در نوشتجات مجاهد به کرات با
ارقام و اعداد نجومی و صحنه سازی های تصنعی و بکار گیری عنوانهای جدیدالمرسوم
نظیر "سالار" و "سردار" و "افسر" و "مسئول اول و دوم" و "قائم مقام" و "هنگ" و
"فرمانده" و "گردان" برخورد کرده بودیم. اما حدس نمی زدیم که روزی برای خود ما هم
"مسئول اول" (با عنوان دروغین پرسابقه ترین عضو مرکزیت) آنهم از نوع آقای
سامع بتراشید! اگر مجاهدین نیز اطلاع نداشته باشند آقای سامع اطلاع دارند که حتی
پس از شهادت بسیاری از رفقای کمیته مرکزی، در کمیته مرکزی فعلی سازمان هم، مفت
پرسابقه ترین به آقای سامع تعلق نمیگیرد. اگر شما (مجاهدین) قصد توطئه ای -
نداشته اید به فرض آنکه وی به شما نامه می نوشت و به همراه آن توضیح هم میداد که
نقش وی در سازمان ما چه بوده است و به فرض اینکه خود از موقعیت وی اطلاع
نداشته اید اصلاً به شما چه مربوط است که یک سری موقعیتها و رشادتهای بی مورد در
بیاورید و سعی کنید از ایشان "چهره آشنای مبارزه مسلحانه" بسازید. اظهار میکنید
آقای سامع در گروه جزئی بوده و از دو جریان اصلی سازمان چریکهای فدائی خلق
میباشد. اولاً سازمان چریکهای فدائی خلق در حال حاضر مبانی عقیدتیش بر اساس
تفکرات و تخیلات شما رقم نمیخورد یعنی که سازمان ما در موقعیت کنونی بر پایه دو
جریان اصلی مورد نظر شما قرار نگرفته است بلکه ما این دو جریان نظری را نیز که
هر دو توسط رفقای کبیرمان بنیادگذاری شده اند بخشی از مبانی عقیدتی خود میدانیم
بدیهی است در انطباق با روند تغییر و تحولات جامعه، ارتقاء و تکامل نظری را یکی
از وظائف مبارزاتی خود دانسته و میدانیم، ثانیاً کینه نظرات شما این است که
سکتاریسم بر سازمان ما حاکم شده و خط رفیق کبیر مسعود احمدزاده اکنون بر سازمان
حاکم است و به این دلیل است که شما رهبری برای خط فکری رفیق
کبیر بیژن جزئی دست و پا کرده اید اما اکثر زندانیان سیاسی رژیم شاه به خوبی
میدانند که آقای رجوی بیشترین توطئه ها را در زندان علیه رفیق بیژن جزئی تدارک
میدید و همه جا وی را به عنوان "توده ای" معرفی می نمود! در این جا ما توجه عموم
را به شماره ۱۴۷ نشریه مجاهد جلب میکنیم که از رفیق بیژن جزئی و سایر
رفقای فدائی همزمش تنها به عنوان انقلابیونی یاد کرده است که "بعدها در
زندان به گروه جزئی معروف گردیدند". حال از مجاهدین میپرسیم که سه ماه پیش
و زمانی که منافعشان ایجاب نمیکرد چرا منکر فدائی بودن رفیق جزئی شدید و لبی
اکنون یکدفعه رفیق جزئی یکی از دو جریان اصلی سازمان ما شده که رهبری خطش
می بایست ستون پنجم شما باشد! ما دقیقاً میدانیم منظور شما چیست. شما بعد از

اطلاعیه:

مدتها سکوت، بعد از انکار مبارزات انقلابی سازمان، بعد از انکار انتشار کار و ضرورت آن، حال از دید خودتان پس از مدتها "گشت و گذار" و "تحقیق" بالاخره "عنصر فدائی" را پیدا کردید که اتفاقاً از بد شانس شما فاقد خط است و مجبورید برای "خط" هم بدهید چرا که اگر وی دارای خط می بود تاکنون میتوانست آنرا تدوین کرده و در سازمان ما طرح و منتشر نماید. بهتر بود بقیه تصمیمهای پشت پرده را نیز به صراحت بیان میکردید؛ شما در نظر دارید آقای سامع را به کردستان برگردانید بدون جنبش کمونیستی بفرستید و البته با خط "مستقل" آنه در درون تشکیلات شما بلکه با پناهنده شدن به حزب دمکرات کردستان و با مستقر شدن در گوشه ای از دفتر سیاسی حزب جریان "فدائی" دست نشانده ای که با شرکت شما هم اکنون در شرف تکوین است حرکت نماید و با توسل به یاغیهای که به اعمال آنها اشاره کردیم (و از جمله از کار انداختن تجهیزات ما در شب حمله مزدوران رژیم) سرودا راه بیندازید و منبهد علاوه بر اعلامیه های مخالفه آمیز مرکز کردستان مجاهدین شاهد تزیین روزنامه مجاهد با اعلامیه های "چریکهای فدائی" خیالی شما باشیم. بی شک با ادامه چنین سیاستی و برای حفظ اتوریته "فدائی" خیالی شان لابد پای عملیات نیز خواهید رفت و اینجاست که ما میگوئیم مردم نباید نابغه باشند تا پی به اعمال شما ببرند. ما از هم اکنون اعلام میکنیم این تلاشها بر ضد سازمان ما و بر علیه جنبش کمونیستی و جنبش انقلابی ایران خواهد بود و موجب سرافکنده گی رهبران مجاهدین و عاملان آن خواهد شد. شما بدون آنکه بخواهید ثابت کرده اید که دیر زمانی است با آقای سامع در ارتباط اید و نوشته اید: "آقای سامع در اوایل سال ۵۸ در پایان دادن به جریان "درگیری گنبد" نقش مؤثر داشت" یادتان هست که نقش شما در "جریان گنبد" چه بود؟ نقشی ارتجاعی و در کنار جمهوری اسلامی ایران و نقش سازمان ما نقشی انقلابی و جنگ علیه جمهوری اسلامی. بخاطر می آورید نامه سرگشاده ای به سازمان نوشتید و خواستید که اگر حسن نیت دارید از "گنبد" خارج شویم بنابراین شما از همان موقع با آقای سامع رابطه داشتید و همواره ایشان را به عنوان مهره مجاهدین و ستون پنجم در نظر داشته اید و سعی کرده اید موضع ارتجاعی خودتان را از طریق ایشان در سازمان اعمال نمائید. شما گفته اید "بعد از قیام" جریان موسوم به "اکثریت" "کودتاگرانه" و "توده ای صفخانه" سعی در تلاشی جریان "فدائی خلق" می نمود و قصد آن داشت که همگام با خود جریان فدائی را نیز به منجانب خیانت بکشانند. ما می پرسیم که مجاهدین خلق چرا حالا همین نقش را بعهده گرفته اند؟ شما پس از مدتها نادیده انگاشتن نقش انقلابی سازمان ما و تاثیر آن بر تغییر و تحولات سیاسی جامعه اکنون خط تلاشی سازمان ما را برگزیده اید. ظاهراً علت اصلی آن است که ما تلاشی شورای ملی مقاومت را در دستور کار خود قرار داده ایم اما ببینید تفاوت ره از کجا تا به کجاست:

اولاً ما با صراحت این هدف را به عنوان یک قطعه نامه مصوبه کنگره و به عنوان هدفی که در خدمت وحدت راستین نیروهای حقیقتاً انقلابی جامعه است مطرح کرده ایم. ثانیاً در مبارزه برای تحقق آن از شیوه های توطئه گرانه، نفوذی و شایعه پراکنی... استفاده نکرده، بلکه با صراحت تمام به نقد برنامه و عملکرد "شورا" پرداخته و در مقابل آن راه حل و برنامه عمل خود را در سطح جنبش مطرح نموده ایم.

ثالثاً هرگز برخلاف تعریفات شما در این مبارزه تلاشی سازمان مجاهدین را در دستور کار خود قرار نداده ایم اما همچنان که حرکت اخیر شما نشان داد برخوردار شما دقیقاً نقطه مقابل عملکردهای ما بوده است. لازم به یاد آوری است که توطئه سکوت، تحریف نظرات و نفوذ در سازمانهای انقلابی را برای اولین بار در جنبش انقلابی ایران حزب کثیف و خائن توده سالها پیش بنیان گذاری کرده است و بسیاری از گروهها و سازمانهای انقلابی (منجمله مجاهدین) دانسته یا ندانسته بدام آن افتاده اند. شما میگوئید در مقطع انشعاب خائنین اکثریتی "در مجموع به تلاشهای مهدی سامع و همزمانش... برای پالایش هویت تاریخی "فدائی خلق" از لوث متحدین خمینی ضد بشر... ارج نهاده و در حد توان خود از آن حمایت سیاسی" می نمودید. ممکن است

دست آورد برنامه کشاورزی رژیم!

وزارت کشاورزی آمریکا اعلام نمود ایران تا پیش از افزایش بهای نفت در سال ۷۳ سالانه کمتر از ۵۰۰ میلیون دلار مواد غذایی وارد میکرد، لیکن این رقم در سال ۸۲ به ۴/۸ میلیارد دلار رسیده است این وزارتخانه همچنین اضافه نمود: از هنگام انقلاب واردات بالا رفته و از ۲ میلیارد دلار در سال ۷۹ به ۲/۸ میلیارد دلار در سال ۸۰، و از ۲/۵ میلیارد دلار در سال ۸۱ به ۴/۴ میلیارد دلار در سال ۸۲ رسیده است. ارقام مذکور نشان میدهد از زمان به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی فقط واردات مواد غذایی به ایران به ۲/۵ برابر رسیده است.

خسارت

در تاریخ ۲۱ ژوئن کمیته اعزامی سازمان ملل به مناطقی چون زده ایران و عراق، گزارش خود پیرامون خسارات وارده به دو کشور را به سازمان ملل ارائه نمود. گزارش مزبور شامل ۴۲ صفحه است که ۲۶ صفحه آن به خسارات وارده به ایران اختصاص یافته و حاکی از خسارات سنگین به ۱۱ شهر ایران میباشد. رجاستی خراسانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل اعلام داشت این گزارش میتواند به مذاکرات پیرامون صلح کمک نماید، ولی بهر حال شورای امنیت باید به این مسئله رسیدگی کند. نماینده عراق را چه گزارش مزبور گفت. خسارات وارده به ایران مسئله جدیدی برای ما نیست چرا که عراق در داخل خاک ایران مشغول جنگ است. مقامات رسمی سازمان ملل اعلام داشتند که فکر نمیکنند این گزارش باعث آن شود که جمهوری اسلامی آتش بس و خروج نیروهای هر دو طرف از خاک یکدیگر را قبول نماید چرا که تا به حال سه بار سازمان ملل این خواسته را اعلام نموده و جمهوری اسلامی آنرا صریحاً رد نموده است. کمیته اعزامی از تاریخ ۲۱ مه تا ۲۶ مه از ایران و تا ۳۰ مه از مناطق خسارت دیده عراق دیدن نمود.

قابل توجه

پزشکان و علمای جهان!

اطلاعات چهارشنبه ۱۸ خرداد ماه ۱۳۶۲ شماره ۱۷۰۲۹

دختر افلیج در حرم مطهر شاهچراغ (ع) شفا یافت

دختر بچهای بنام صفی شمس الدینی اهل گلپایه، کرمان چند شب پیش در حرم مطهر احمدین موسی شاهچراغ (ع) شفا یافت. بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از شیراز و به نقل از دفتر آستان مقدس شاهچراغ (ع) این دختر بچه که بازده سال دارد، علاوه بر علاج بودن از ناحیه دست و پا، کروزال نیز بود. کمچند شب پیش پس از توسل شدن والدینش به حضرت احمدین موسی (ع) شفا یافت و هم اکنون در سلامت کامل بسر میبرد.

شباهت لئی

چگونه به خرافات دامن بزنیم!

حتماً داستان کشف توطئه کودتای نوزده را توسط یک سگ که مطابق تبلیغات سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، به دلیل الهی بودن رژیم اتفاق افتاد شنیده‌اید!

حتماً شما داستان پادهای شیخ در کویر طبس را که به تعبیر عوام‌فریبان رژیم خمینی از جانب خدا برای حفظ جمهوری اسلامی ایجاد شده بود تا هواپیماهای آمریکایی نتوانند گروگانها را برپایند شنیده‌اید!

حال این بار از سازمان مجاهدین خلق بشنوید.



شماره ۱۵۸
نشریه مجاهدین **خلق ایران**
سال چهارم، شماره ۱۲۴، بهار ۱۳۶۲، تهران، انتشارات دفتر مطبوعاتی دفتر امام خمینی

رهنمود قرآنی

در بعد از ظهر

یکشنبه ۷ تیر ۱۳۶۰...

... لپحملوا اوزارهم كاملة يوم القیمة و من اوزار الذین یظنونهم بغیر علم الا... ما یزرون، قد مکر الذین من قبلهم فاتى الله بنیانهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوفهم و اتیهم العذاب من حیث لا یشعرون.

(آیات ۲۵ و ۲۶ سوره نحل)

... تا بردوش کشند بارهای خود را تماماً در روز قیامت ... و از گمانیکه ایشان گمراهشان کردند به نادانی (بخشی از گناه توده‌ها و عناصر ناگامی را که ایشان فریفتند ...). چه زشت است آنچه ایشان بردوش می‌کشند.

همانا که مگر ورزیدند آنان که پیش از ایشان بودند. پس خدا بنیاد ایشان را از پایه (وریشه) برانداخت، پس فرود آمد سقف بر ایشان، از فراز سرشان و بیامدشان عذاب از جایی که نمی‌دانستند (و گمان نمی‌بردند)...

ما تا بحال تصور میکردیم سقف ساختمان حزب جمهوری اسلامی به دلیل انفجار بمب نیرومندی که توسط ایک انسان انقلابی کنار گذاشته شده بود، فروریخت و نزدیک به ۸۰ نفر از عناصر کثیف رژیم را به هلاکت رسانید. اما مجاهدین میگویند چون آنها مگر ورزیدند خدا بنیادشان برانداخت و سقف بر سرشان فروریخت بی آنکه بفهمند از کجا! تحلیل گران مجاهد ما آیه مربوطه را از قرآن استخراج کرده‌اند! یعنی واقعه انفجار بمب و ریزش سقف دفتر حزب بر سر رهبران حزب که مگر ورزیده بودند، از ۱۴۰۰ سال قبل پیش‌بینی شده بود!! "جل لخالق!"

بفرمائید کی و کجا از هم‌زمان مهدی سامع حمایت سیاسی کرده‌اید؟ شاید منظورستان حمایت از مهدی سامع بوده باشد؟ شما عملی هست که علیه سازمان ما انجام نداده باشید؟ اگر امکان دارد مجاهدین خلق بگویند که چه کارهایی را علیه سازمان چریکهای فدائی خلق انجام نداده‌اند؟

شما حرف اولتان را آخر زدید و بالاخره بر مطلب اصلی دست نهاده‌اید: "اما پس از آغاز مبارزه انقلابی مسلحانه و بویژه پس از تشکیل شورای ملی مقاومت گرایشات مختلفی در درون سازمان چریکهای فدائی خلق نسبت به شورا به وجود آمد یکی از این گرایشات متلاشی کردن شورا را در دستور کار خود قرار داده که اخیراً در مقاله نشریه کار شماره ۱۶۶ نیز تحت عنوان "دو راه بیشتر وجود ندارد" بر علیه مجاهدین سنگ تمام گذاشته است." پس مسئله شما نبودن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به "شورای ملی مقاومت" است و مابقی همه بهانه. اگر چه ضمن این توضیح تحریف دیگری نیز مرتکب شده‌اید چرا که آغاز مبارزه انقلابی مسلحانه را هم به تشکیل "شورای ملی مقاومت" به خود مجاهدین نسبت داده‌اید. در حالیکه در همین نوشته خود قبول کرده‌اید که سازمان ما قبل از آن در گنبد می‌جنگید و مبارزه مسلحانه میکرد و در کردستان قهرمان هم از ابتدای روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی دست به مبارزه مسلحانه زد که شما در این مورد نیز می‌خواهید همه چیز را به "قهرمانیهای" خود منتسب کنید. از اینها که بگذریم شما آقای سامع را به پای ندامت کشانده‌اید و در نظر دارید "فدائی" دست نشانده بسازید اما بالاخره چگونه گریبان خود را از دست آنها که در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران متشکلند و مقاله "دو راه بیشتر وجود ندارد" را نوشته‌اند خلاص می‌کنید؟ با این شیوه‌ها؟

ما ترجیح میدهیم برای آنکه خوانندگان به درستی مفهوم آنچه ما بیان داشته‌ایم و حقیقت آنچه از توضیح مجاهد و ندامت نامه استخراج کرده‌ایم واقف شوند عین متن آنها را نیز به ضمیمه این اطلاعیه، منتشر مینمائیم.

مرکز امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پانگه داخلی

مرکز رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق در اهتزاز باد پرچم پر افتخار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کمیته خارج از کشور

۱۳۶۲/۴/۲۴

ضمیمه اطلاعیه در صفحه ۲۹

یادشدهای تیرماه

بقیه از صفحه ۵

تسلیم ناپذیری، ایستادگی، ثبات و پایداری و درهها صفت انقلابی دیگر تشکیل می‌دهد. آیا عناصری که بنا به شیوه‌ی مطلوب حزب توده فرار را به ایستادگی ترجیح داده‌اند و در محیط آسوده‌ی "خارج" مشغول "مبارزه‌ی طبقاتی" راصیل می‌دهند از سرچشمه‌ی اندیشه و مبارزه‌ی رفیق حمید سیراب می‌شوند؟

پسندگان راه آن رزمنده‌ی راستین‌اند؟

اندیشه‌ی حمید اشرف و هم‌زمانش الهام بخش فدائیان است که هرگز سنگر مبارزه را رها نمی‌کنند و در راه آرمان طبقاتی کارگر و زحمتکشان جامعه همچون حمید اشرف و هم‌زمانش تا آخرین قطره‌ی خون خود مبارزه می‌کنند.

از تبار فدائیان و از نسل حمید می‌دانند. هستند افرادی که با تشبث و توسل به مبارزات چهارده ساله‌ی سازمان می‌کوشند تا با بهره‌وری از حرمت انقلابی و مبارزاتی فدائیان، حیثیت سیاسی برای خود دست و پا کنند. اما خصائل این جریانات، بینش، شی و محور حرکت سیاسی آنان چنان با نظام تفکر و عطرکرد مبارزاتی "عصر تاریخی - طبقاتی" فدایی مغایرت دارد که راهی فدایی بودن این جریانات و عناصر فقط در تنگنای اذهان شان و در فراخنای قلع‌فرسای هایشان - که عمدتاً بر علیه فدائیان صورت می‌گیرد - محدود می‌ماند.

مشخصات عنصر فدایی را آشتی ناپذیری با دشمن، از جان گذشتگی در راه کارگران و زحمتکشان، صداقت،

راهشان پایدار و یادشان گرامی باد. ☆

بمناسبت

سده درگذشت مارکس

از سلسله بحثهای آموزشی: درک مادی از تاریخ

بحث نخست: پیرامون متد دیالکتیکی

است از مطالعه هستی و بودن Being که خود شامل بنیادی ترین فرضیه‌ها در باره ماهیت و سازمان جهان میگردد.

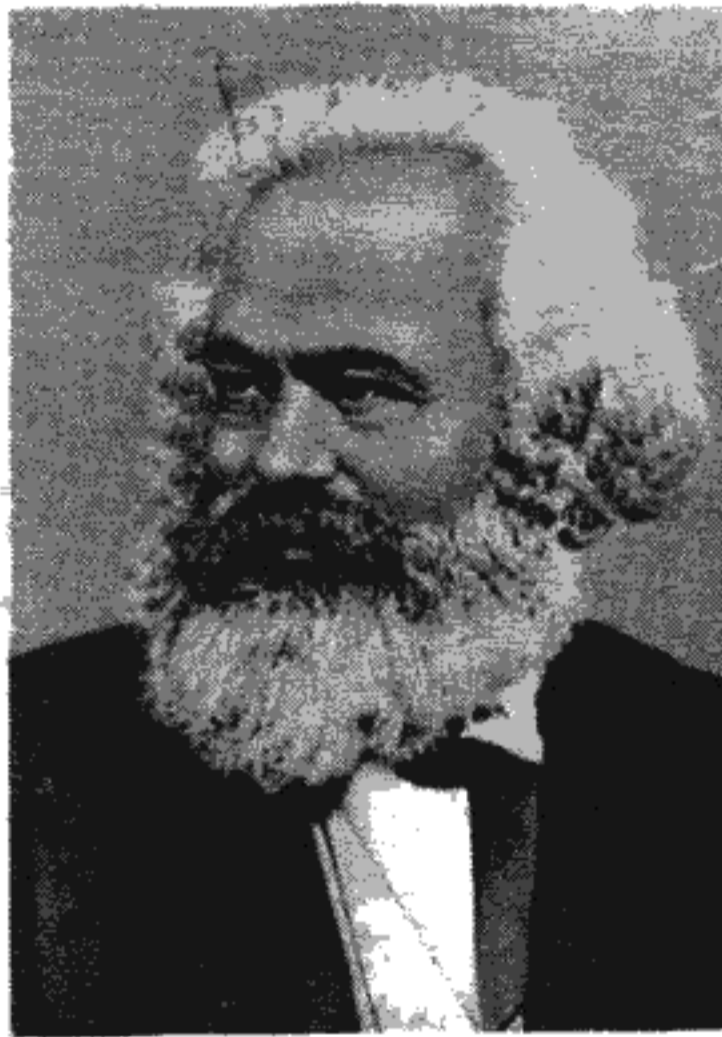
دو ستون اصلی آنتولوژی مارکس عبارتند از درک واقعیت بعنوان کلیتی که از اجزائی که از دورن به یکدیگر پیوسته‌اند تشکیل میشود و نیز درک مارکس از این اجزا بعنوان روابط گسترده، بنحویکه هر یک از این اجزا در تمامیت خود میتوانند یک کل را عرضه کنند.

مارکس برای آنکه مفهوم درونی بودن رابطه متقابل هر شیئی را نشان دهد، شرایط هستی آن شیئی را نیز بخشی از خود آن شیئی میداند. سرمایه، بعنوان مثال، تنها یک وسیله فیزیکی برای تولید نیست بلکه بالقوه شامل تمامی روابط اجتماعی است که این وسیله را به عملکردی نظیر آنچه که سرمایه دارد مجهز میسازند. به عبارت دیگر مارکس اشیاء را بصورت روابط و واقعیت اجتماعی درک میکند و از نظر ذهنی نیز قادر است این روابط را تا حد کلیت گسترش دهد. این نوع درک را فلسفه روابط درونی نیز نامیده‌اند.

در فلسفه سه درک متفاوت از کلیت وجود دارد:

۱) مفهوم اتمی کل (مفهوم مکانیکی) که در آثار دکارت و ویگنشتاین مشهود است، و آن دیدگاهی است که کل را مجموعه ساده‌ای از فاکتورها میبندارد. در اینجا به روابط خارجی توجه میشود و اجزا مستقل فرض میشوند. مطابق این درک، تعریف سرمایه و کار تعاریفی مجزا و مستقل از یکدیگرند.

۲) مفهوم فرمالیستی کل، که کل را مهم‌تر از اجزای آن میدانند. این مفهوم در آثار شلینگ Schelling هگل و بیشتر استراکسور-آلست‌های مدرن (نظیر آلتوسر) دیده میشود



Karl Marx

درست و عقلایی اش دیالکتیک در درک خود از وضع موجود اشیاء در عین حال نفی و درهم شکستن آن وضع موجود را نیز شامل میشود. چرا که دیالکتیک هر نوع فرم اجتماعی را که بصورت تاریخی تکامل می‌یابد، به شکل یک حرکت سیال در نظر می‌آورد و در نتیجه ماهیت گذرا و نیز هستی و نمود آنی و لحظه‌ای آنرا در نظر می‌گیرد. دیالکتیک در جوهر خود انتقادی و انقلابی است و اجازه نمیدهد که چیزی بر آن تحمیل شود... (از مقدمه مارکس بر چاپ دوم کاپیتال ۱).

حال به توضیح مراحل پنجگانه متد مارکس بپردازیم:

۱- هستی‌شناسی Ontology در پاسخ به این سؤال که واقعیت چیست، آنتولوژی عبارت

متد مارکس عبارتست از متد درک واقعیت و توضیح آن. این متد شامل برآنچه میشود که مارکس در سازماندهی و پرداختن واقعیت بمنظور تحقیق و توضیح انجام میدهد. این متد در پنج سطح جریان می‌یابد که در عمل مراحل بهم پیوسته و پشت سرهمی را تشکیل میدهند: ۱- هستی‌شناسی Ontology که دنیا را در کلیت خود بیان میکند، ۲- شناخت Epistemology که آن کلیت را به واحدهای مرتبطی که روابط متقابل ساختی آنها در مفاهیم (Concepts) منعکس میشوند، تقسیم بندی میکند، ۳- تحقیق Inquiry که نقاط اتصال این واحدها را که در اجزای این کلیت منعکس شده‌اند، درمی‌یابد. ۴- بازسازی

انتلکتوئل Intellectual -Reconstruction - ۵- توضیح Exposition قبل از آنکه به توضیح مراحل فوق که از دیدگاه ما تنها طرح‌گونه‌ای از متد مارکس در نگارش کاپیتال است، بپردازیم، یادآوری این نکته را ضروری میدانیم که مارکس در توضیح متد دیالکتیکی خود تأکید میکند که: "متد دیالکتیکی من نه تنها از

متد هگلی متفاوت است، بلکه درست برعکس آنست. از نظر هگل، پروسه فعالیت مغز بشر یعنی پروسه فکر کردن، که هگل آنرا تحت نام "ایده" حتی به یک موضوع مستقل تبدیل میکند، تجسم دنیای واقعی است و دنیای واقعی تنها شکل خارجی و پدیده‌ای "ایده" است. در مورد من بر عکس ایده چیزی نیست مگر دنیای مادی که توسط ذهن بشری منعکس شده است و در اشکال اندیشه و تفکر تجسم می‌یابد.

دیالکتیک هگل بر روی سر ایستاده است. باید آنرا دوباره سرپا نگاه داشت. دیالکتیک در شکل هگلی اش (یعنی در شکل اسرارآمیز آن) بیان‌کننده و توجیه‌کننده وضع موجود اشیاء و چیزهاست و لی در شکل

از سلسله بحث‌های آموزشی: درک مادی از تاریخ

بحث نخست: پیرامون متد دیالکتیکی

اینان به کل هویتی مستقل از اجزایش نسبت می‌دهند و تسلط مطلق این کل را به اجزایش مسلم فرض می‌کنند. در نتیجه ساخت کل بیشتر از خود کل می‌شود و به چیزی همانند ایده مطلق هگل تبدیل می‌شود. همین مسئله پیش‌ساختگرایان را از کلیت به یک بینش ایدئالیستی تبدیل نموده است. مطابق این بینش، موضوع واقعی تاریخ عبارتست از گرایشها و ساختهای از پیش موجود و خود مختار کل (اینان برای کل نوعی ساخت خود مختار قایلند). برای رهروان این دیدگاه تحقیق در باره اجزاء مهم نیست. چه وظیفه تحقیق عمدتاً عبارتست از شرح و توضیح کل و حقایقی که با این ساختها و گرایشهای خود مختار کل تطابق ندارند یا فراموشی سپرده شده و یا غیرمهم انگاشته میشوند.

۲) درک دیالکتیکی و ماتریالیستی مارکس که کل را بصورت روابط متقابل ساختی بین اجزایش درک میکند. از اینرو کل از هر جزء عمده‌ای که مورد مشاهده قرار گیرد به شکل روابط و وقایع به هم پیوسته‌ای از پروسه‌ها و شرایط دنیای واقعی منعکس می‌شود. (بعنوان مثال اگر برای توضیح سیستم سرمایه‌داری از یک جزء آن یعنی مقوله کار آغاز کنیم، بهر حال می‌باید رابطه ساختی و درونی آنرا با دیگر اجزاء تشکیل دهنده این کل یعنی سیستم سرمایه‌داری بیان کنیم). پابهای ارتباط متقابل دائمی و تکامل اجزاء، کل نیز تغییر می‌یابند. تغییرات پی در پی و روابط متقابل که در اصل و ریشه کنونی یک شیئی منعکس میشوند بسوی آینده‌ای ممکن سمت‌گیری مینمایند و این خود یکی از ویژگی‌های اصلی درک ماتریالیستی و دیالکتیکی از کل بشمار می‌رود.

ارتباط‌های کل و جزوهای چهار رنوع می‌باشند: الف) کل، اجزاء را شکل می‌بخشد تا اجزاء قابلیت عملکرد بیشتری را در دورن یک کل بخصوص کسب نمایند (به این طریق است که سرمایه‌داری بعنوان مثال قوانینی را که لازم دارد کسب مینماید).

ب) کل به هر جزئی در چهارچوب عملکرد آن

معنا و اهمیت نسبی می‌بخشد (قوانین در سرمایه‌داری تنها بصورت عناصری در ساختی که جامعه سرمایه‌داری را حفظ می‌کنند، قابل درک‌اند و بهمان نسبت سهمی که ایفا می‌کنند از اهمیت برخوردارند).

ج) کل از طریق جزء خود را بیان میکند، به نحویکه جزء به صورت شکلی از کل دیده می‌شود (دیدن کل در جزء و جزء در کل) هرگاه هر یک از اجزاء کل را مورد بررسی قرار دهیم می‌توانیم یک دیدگاه یک جانبه از کل کسب نمائیم. بعنوان مثال نگاه کردن به یک حیاط از یکی از پنجره‌های متعددی که آنرا احاطه کرده است، می‌تواند یک دیدگاه یکجانبه‌ای از کل حیاط به ما عرضه دارد. و با مطالعه هر یک از قوانین عمده سرمایه‌داری نوعی مطالعه یکجانبه از کل سرمایه‌داری است بعبارت دیگر در چنین جزئی می‌توان شمائی از کل را دریافت.

د) روابط اجزاء با یکدیگر طرح و معنای کل را شکل می‌بخشند و آنرا به یک سیستم ادامه‌دار که دارای تاریخ، هدف و تأثیر می‌باشد، تبدیل مینمایند.

وجود این دو رابطه اخیر (بند ج و دال یعنی دیدن جزء در کل و کل در جزء) است که دو رابطه الف و ب) را از درک فرمالیستی کل متمایز می‌سازد و مارکس را قادر میکند که بگوید همانطوریکه تاریخ انسانها را می‌سازد، انسانها نیز تاریخ را می‌سازند.

سطوح تعمیم: هر تحقیق و مطالعه‌ای بیش از یک سطح کلیت (یا تعمیم) و یک سطح تجرید را بکار می‌گیرد. مثلاً اگر رفیق x را بعنوان یک کل در نظر بگیریم، سطوح کلیت در مورد وی عبارت خواهد بود از: ۱- سطح خود فرد (رفیق x)، ۲- سطح محیط و گروه اجتماعی وی (شغل)، ۳- رابطه وی با سازمان تولید-تولیدکننده و یا مالک وسائل تولید. ۴- ماهیت و ساخت فرد به عنوان بخشی از جامعه طبقاتی که وی در آن زیست می‌کند، ۵- فرد (رفیق x) بعنوان عضو جامعه بشری.

Epistemology - II این سطح از متد مارکس بر پایه آشتولوژی وی استوار است، یعنی بر پایه درک وی از دنیای واقعی. مرحله

شناخت در متد مارکس عبارتست از چگونگی رسیدن به شناسائی و سازماندهی دانستنی‌ها اگر آشتولوژی، مارکس را به منشوری مجهز میکند که از طریق آن واقعیت را بنگرد. Epistemology چگونگی یادگیری واقعیت از طریق این منشور بشمار می‌رود.

این مرحله از متد مارکس از ۴ پروسه بهم پیوسته تشکیل می‌شود (و یا از ۴ وجه یک پروسه واحد). ۱) ادراک Perception (تجرید) (یعنی چگونه مارکس آنچه را که درک شده است به واحدهای مجزا از یکدیگر تقسیم می‌کند). ۲) مفهوم سازی Conception (۴) سمت‌گیری Orientation (تأثیراتی که تجربیها بر عقاید، دیدگاهها و عمل وی از درک‌های آتی و تجربیهای آتی وی خواهند گذاشت).

۱- ادراک Perception شامل پروسه‌هایی است که مردم از طرق آنها نسبت به جهان آگاهی می‌یابند. ادراک در ورای فعالیت‌های حس قرار گرفته و شامل مجموعه‌ای از حالت‌های ذهنی و عاطفی است که تماس ما را با کیفیت‌ها (مقصود از کیفیتها، احساسها و عقایدی هستند که در غیراینصورت مورد غفلت قرار می‌گیرند) برقرار می‌سازند.

در واقع ما همواره چیزی بیشتر و متفاوت‌تر از آنچه مستقیماً دیده و یا شنیده می‌شود، درک می‌کنیم، که این متفاوت دیدن و شنیدن خود بستگی به دانش قبلی، تجربه، حالت Mood و نیز خود مسئله‌ای که درک می‌شود، دارد. این تفاوت را می‌توان به پروسه تجرید نسبت داد که کیفیت‌های بیشماری را که در معرض حواس ما قرار دارند به خواص معنی‌داری Particular تبدیل می‌سازند.

۲) تجرید، این مرحله عبارتست از تعیین سرحد نه تنها برای مسائل، بلکه برای واحدهائی که این مسائل در چهارچوب آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این مرحله عبارتست از تعیین اینکه تا چه اندازه و تا چه حد این مسائل در ارتباط درونی خود با دیگر کیفیت‌ها ادامه می‌یابند. (مثلاً تعیین سرحدی برای اینکه تا چه حد مقوله کار با مقوله سرمایه ارتباط درونی اش، ادامه می‌یابد). لازم است که تصمیم بگیریم که یک چیز کجا ختم می‌شود تا چیز دیگری شروع شود.

درک مادی از تاریخ

بحث نخست: پیرامون متد دیالکتیکی

با توجه به آنتولوژی مارکس واحد تجرید شده خود به صورت یک رابطه باقی میماند. استقلال نسبی و تمایز آن (تا کتیکی) برای زمان حاضر است تا بتواند در خدمت پاره‌ای از اهداف آتی قرار بگیرد. تغییر در هدف مطالعه باعث تجرید کردن یک واحد متفاوتی از همان کل میگردد. سرمایه به عنوان مثال به صورت وسیله تولیدی قابل درک است که ارزش اضافی تولید میکند. رابطه کارگران و سرمایه‌داران را گاهی میتوان به این واحد (سرمایه) اضافه کرد که در این صورت شرایط و نتایج مختلفی نشان داده خواهد شد. این بستگی به هدف ما برای مطالعه و نشان دادن یک مقوله خاص دارد. انتقاد عمده مارکس از ایدئولوگ‌های بورژوازی این است که آنان با تجریدها سروکار دارند و نه آگاه و نه در بند روابط هستند که این تجریدها را به کل مرتبط میسازد. بهر حال مارکس از روی - ضرورت به تجرید می‌پردازد. کل اندیشه و مطالعه کلیت با شکستن آن به اجزاء آغاز میشود، اما به قول لوکاج، آنچه تعیین کننده است آنستکه آیا این پروسه منقرد کردن وسیله‌ای برای درک کل است یا اینکه دانش مجرد در باره یک جزء تجرید شده استقلال خود را حفظ کرده و به خودی خود به هدفی تبدیل میشود. (۱)

مارکس برخلاف ایدئولوگ‌های بورژوازی، کاملاً آگاهانه واحدهای مورد نظرش را برای مطالعه تجرید مینمود (بجای آنکه آنها را به صورت حاضر و آماده پیدا کند) و نیز آگاهانه به پیوند ضروری آنها با کل تاکید مینمود.

سطوح تجرید عبارتند از: (۱) تجرید در سطح تداوم، یعنی انتخاب سرحد زمانی و مکانی برای مطالعه یک جزء، (۲) تجرید در سطح زاویه عبارتست از آنکه یک جزء از چه زاویه‌ای Perspective مورد مطالعه قرار میگیرد. مارکس میتواند به سادگی، کیفیتهای گوناگون و یا گروهی از کیفیتها را تجرید نماید، تا بتواند موضوع جدیدی را برای مطالعه مورد بررسی قرار دهد (مثلاً ارزش اضافی و مناسبات تولیدی را

مطالعه کند) از سوی دیگر از آنجائیکه تجریدها نتیجه شرایط واقعی تاریخی اند، مطالعه تجریدها از نظر وی وسیله مهمی برای یادگیری در باره جامعه بشمار میرود. ۳- مفهوم سازی Conceptualization، پروسه مفهوم سازی به دنبال پروسه تجرید می‌آید و چیزی بیش از برجسب‌گذاری (Label) به روی واحدهایی است که تجرید میشوند. این پروسه برای درک ویژه‌ای که از هر واحد بدست می‌آید، و نیز عملکرد آن در سیستم تحت بررسی، نامی تعیین میکند.

در پروسه مفهوم سازی، تجریدها معنای کسب میکنند که قابل انتقال میباشند. درک هر جامعه‌ای از خود در معنای مقوله‌هایش (کاتگوری‌هایش) منعکس میشود. کاتگوری Category یا مقوله نیز همانند تجریدی که بر آن مقوله استوار است، محصول جامعه و ساخته و پرداخته شرایط جامعه است. هم تجرید و هم مقوله‌ها شرایط اجتماعی را منعکس میسازند و از طریق نفوذ بر اندیشه و عمل، به بازتولید اندیشه و عمل کمک میکنند. از همین روست که مقوله‌ها - معنا و فرم آنها - بهمان نسبتی که جامعه تغییر و تکامل مینماید، تغییر میکنند. یکی از انتقادات مارکس و انگلس از متفکرین بورژوازی آن است که با قبول کاتگوری‌های سنتی درکشان محدود میگردد به هر آنچه که آشکارا در جامعه قابل رویت است و این کاتگوری‌ها از آنها سرچشمه میگیرند.

مارکس با استفاده از شیوه مفهوم سازی کاتگوری ارزش اضافی را فرمولبندی کرد. در حالیکه تمامی تقویرسین‌های پیش از وی بقول مارکس "زندانی و دربند" کاتگوری‌های اقتصادی که به آنها رسیده بود، مانده بودند. مارکس آن بیانی‌های را که تا زمان وی راه حل فرض میشد، به صورت مسئله برای خود طرح کرد و این مسئله را از طریق مفهوم سازی مجدد عناصر اصلی اش بصورت "ارزش اضافی" حل نمود. با ساختن این مفهوم جدید مارکس قادر بود که ارتباط متقابل کاتگوری‌های عمده را در اقتصاد سیاسی توضیح دهد.

بهر حال بین پروسه مفهوم سازی و پروسه تجرید یک‌گره ارتباطی وجود دارد که به شناخت وی خاصیت جهنده میبخشد.

۴) علاوه بر پروسه ادراک، تجرید و مفهوم سازی، بعنوان اجزاء Epistemology مارکس باید از پروسه سمت‌گیری Orientation نیز نام برد. سمت‌گیری تنها به اینکه چه چیزی درست یا نادرست است محدود نمیشود، بلکه با ساخت توضیحی Explanation که در خود کاتگوری‌ها نهفته است گره میخورد. مفهوم سمت‌گیری آن است که مثلاً در مورد غنود مارکس، قضاوت‌ها، مبارزات و تلاش‌های مارکس بعنوان یک انقلابی، بخشی از چگونگی فهم وی از سرمایه‌داری باید شمرده شود. چنین درکی از سرمایه‌داری (که با قضاوت‌ها و مبارزات مارکس بعنوان یک انقلابی آغشته شده است) در کاتگوری‌های وی نیز منعکس میشود.

به همین ترتیب تحلیل مارکس از علایق و ارزش‌های یک گروه اجتماعی و عملکرد آن بر اساس آنچه که گروه آنرا حقیقت میثامند - کاتگوری‌هایی که به کمک آنها این حقیقت سازمان داده میشود و نیز شرایط اجتماعی و منافی که این حقایق و کاتگوری‌ها بر آنها استوار است - بنا میشود. با توجه به اهمیت مسئله سمت‌گیری است که مارکس برخلاف سوسیالیستهای تخیلی، تلاش میکند که آنچنان ساخت توضیحی از سوسیالیسم علمی ارائه دهد که مردم با پذیرش آن به سوسیالیسم روی آورند.

III- مرحله تحقیق و بررسی Inquiry عبارتست از تلاش مارکس برای ترسیم و تدقیق رابطه بین واحدهایی است که مناسبات اجتماعی نامیده میشوند تا از این طریق حد فاصل ارتباط متقابل درونی بین آنها را از میان بردارد. بعنوان مثال سرمایه Capital نقطه مساعدی برای شروع است که میتوان از این نقطه پیچیدگی‌های سرمایه‌داری را مورد بررسی قرار داد. کار Labor نقطه مساعد دیگری است و همینطور ارزش ... اگرچه روابط متقابل بین این مقوله‌ها یکی است ولی بسته به اینکه از چه نقطه‌ای شروع کنیم، زاویه و دیدگاه ما به سرمایه‌داری متفاوت میشود. امتیاز بینش متدولوژیک مارکس در آنستکه میتواند تأثیرات اصلی مقوله‌ها را کشف کند بدون آنکه توجهش از رابطه متقابل و تغییرات کل این مجموعه منحرف شود.

درک مادی از تاریخ

بحث نخست: پیرامون متد دیالکتیکی

مارکس قوانین دیالکتیک را (مطالعه رابطه متقابل و تغییر) بعنوان یک چهار-چوب گسترده و جهانشمول در نظر میگیرد که به وی کمک میکنند که در چهارچوب آنها تکامل ویژه یک پدیده را مورد مطالعه قرار دهد. (۲) بعنوان مثال قانون تبدیل کمیت به کیفیت دارای این حساسیت است که چگونه یک عامل اجتماعی نمود Appearance خود را - تغییر میدهد. پول بعنوان مثال تنها وقتی به صورت سرمایه میتواند عملکرد داشته باشد که به حدو میزان معینی برسد.

قانون تأثیر متقابل دره و وجه تضاد، سبب میشود که هر رابطه اجتماعی برای یافتن ضد آن مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و وقتی که با یک ضد مشخص روبرو شویم، به دنبال آنچه که وحدت آنها را سبب میشود بگردیم. از این طریق ثروت و فقر در سرمایه داری ضدین یکدیگرند، اگرچه وجوه متقابل و وابسته یک رابطه واحد را تشکیل میدهند.

قانون تکامل از طریق تضاد یکی از مهمترین قوانین دیالکتیک است. تضادها همواره با یکدیگر یکدسته و واحد میشوند و وحدت و نظم و یکدستگی آنها نیز بهمان اندازه مطالعه تضاد آنها مورد توجه مارکس قرار گرفتند.

هروج تحقیقی از نظر مارکس عبارت - است از جستجوی قطعاتی برای درک یک معما (سرمایه داری) - معماهایی که بخاطر حرکت و جریان یافتن واقعیت همواره ناتمام باقی میماند. بهرحال مارکس بعنوان استراتژی تحقیق، برای یکدسته از مقولهها ارجحیت بیشتری قایل است. مثلاً او تحقیق خود در باره سرمایه داری را از روابط اجتماعی چون سرمایه، کالا و ارزش آغاز میکند (و یا این اصل که این عوامل اقتصادی هستند که بیشترین تأثیر را در رابطه متقابل بین تمام عناصر اجتماعی ایفا میکنند ...). دانشمندان بورژوازی از کل غافل مانده و نمودهای فوری را به جای کل حقیقت میانگارند و آنچه را که مستقیماً قایل درک است، مستقل از رابطه درونی ساختنی عنایتی که به آن مفهوم و معنی بخشیده اند فرض میکنند.

IV - بازسازی انتلکتوئلی Intellectual Reconstruction

آنتولوژی مارکس دنیا را در کلیت خود بیان میکند Epistemology وی، آن - کلیت را به واحدهای مرتبطی که روابط متقابل ساختنی آنها در مفاهیم Concepts منعکس میشود، تقسیم بندی میکند. مرحله تحقیق وی نقاط اتصال بین این واحدها را که در اجزاء این کلیت منعکس شده اند، درمی یابد.

مرحله چهارم در متد مارکس، بازسازی انتلکتوئلی است که پس از تکمیل پروسه های سه گانه قبلی صورت میگیرد. در بازسازی انتلکتوئلی، کلیتی که مارکس با آن آغاز کرده بود، به یک کلیت غنی و مشخص Concrete که وی اینک بدرک آن نایل شده است، تبدیل میگردد. (مثل فرمولبندی این اصل که تضاد بین خطت اجتماعی سرمایه - داری و تداوم هدف خصوصی آن، تضاد اساسی نظام سرمایه داری است و یا رابطه بین تولید اجتماعی و تعلق خصوصی که درک مارکس از کاپیتالیسم را بعنوان یک سیستم مشخص میرساند). هرگونه توفیقی در بازسازی انتلکتوئلی، پروسه هایی را که در مرحله آنتولوژی یعنی درک ما از واقعیت دنیای خارج و نیز Epistemology و مرحله تحقیق Inquiry طی شده است به پیش برده و تکامل میبخشد و بنوبه خود به ما اجازه میدهند که از کلیت واقعیت دنیای خارجی، یک درک مشخص تری داشته باشیم.

V - مرحله توضیح Exposition

آخرین مرحله متد مارکس است و عبارت است از اینکه چگونه مارکس سرمایه داری را بعنوان سیستمی از روابط متقابل ساختنی موجود در هر جزء آن توضیح میدهد. مارکس توضیحاتی را که به شرایط قبلی تکیه میکند و با واقعیات را به مثالهایی از چند تعمیم تجربی - Empirical Generalization تقلیل میدهد و یا مدل های ایده آل Ideal Models ارائه میدهد و یا تقریباً به طبقه بندی کردن فاکتورها بپردازد. مارکس کاملاً رند میکند. در هر یک از مواردی که در بالا نام

بردیم، توضیح تنها شکل رابطه بین دو یا چند تجرید را بخود میگیرد، و زمینه کلی و کامل تر دست نخورده باقی میماند. برای مارکس سرمایه داری تنها توضیح مناسب برای هرچه که در آن میگردد، بشمار میرود (یعنی برای تمام جزئیات موجود در سرمایه داری) اما این توضیح در عین حال توضیح سرمایه - داری بعنوان یک کلیت مشخص میباشد. مارکس توضیح Exposition را آئینه ای از واقعیات می بیند. اگر بتوانیم هستی واقعی یک ماده را همچون یک آئینه منعکس کنیم، در توضیح آن توفیق یافته ایم. (۴) از اینرو هدف مارکس آنست که عناصر توضیحی را که بکار میبرد، بهمان صورتی که در دنیای واقعی بهم مربوط میشوند، درکنار یکدیگر بگذارد، بصورتی که بنظر برسد که آنها به یک سیستم استنتاجی Deductive تعلق دارند. مارکس معتقد است که توضیح هر چیزی تا حدود زیادی عبارتست از توضیح آنکه آن چیز چگونه هستی یافت و چگونه هستی یافتن آن (تاریخ History) نیز بخشی از هستی کنونی آنست. تکامل عبارتست از رشد از طریق اشکال و گرایشهای بهم پیوسته درونی که از گذشته ریشه میگیرد و بسوی آینده سمت گیری دارد. توضیح مارکس در باره تکامل اجتماعی، ترکیبی از تحلیل و سنتز کردن است Analysis and Synthesis.

در این میان مارکس اصرار داشت که عامل تعیین کننده در نظم مرحله توضیح، جوهر رابطه و نه نمود تاریخی مشخص Historical Appearance آنست. به عبارت ساده تر در توضیح سرمایه - داری، جوهر تعیین کننده است و نه نمود. از همین روست که برای توضیح تکامل اجتماعی، مقابله یزترین و اصلی ترین روابط اجتماعی سرمایه داری مورد تحلیل قرار میگیرند.

مارکس در عین آنکه سرمایه داری را از زاویه رابطه های اجتماعی اصلی آن مورد بررسی قرار میدهد، در عین حال سیستم را از طریق سنتز کردن دیدگاههای یک جانبه ای از کل که از مواضع و زوایای مختلف به دست آمده اند، باز سازی میکند (بعنوان مثال با ترکیب کردن ارزش اضافی و سرمایه و کار و ... که هر یک به تنهایی دیدگاه یک جانبه ای از کل سرمایه داری هستند و تنها از یک زاویه ویژگیهای سرمایه داری را نشان میدهند تصویری کلی از کل نظام سرمایه داری کسب میکنند). بعنوان مثال نقش بازار در بقیه در صفحه ۴۶

۵۰ میلیون کودک در بازار کار جهان



این کودکان قربانیان دسیسه‌ها و منافع سرمایه‌دارانی هستند که جز سود خود، معیار دیگری نمی‌شناسند.

بر مبنای یک گزارش از دفتر بین‌المللی کار، مندرج در روزنامه لوموند چاپ پاریس ۲۲ و ۲۳ مه ۱۹۸۳، بیش از ۵۰ میلیون کودک کمتر از ۱۵ سال در شرایطی خطرناک و مضر برای پرورش جسمی و اخلاقیشان کار میکنند. اگر تمام کودکانی را که کار میکنند اعم از آنهایی که فقط برای به دست آوردن پول توجیبی، یا آنها یکسره در مزارع و یا در مؤسسات کوچک برای کمک به والدین خود کار میکنند یا کم‌کم اوقاتی از روز را به کارهای خانه‌داری می‌گذرانند و همینطور در حاشیه (گدایان، خودفروشان و دله‌زدان) را نیز به حساب آوریم تعداد آنها به چند میلیون می‌رسد. این ارقام از یک گزارش توسط فرانسیس بلانشاد، رئیس دفتر بین‌المللی کار (B.I.T.) تهیه شده است. گزارش فوق‌الذکر در شصت و نهمین کنفرانس این سازمان که از اول تا بیست و دوم ژوئن در ژنو با شرکت نمایندگان دولت‌ها، رؤسای شرکت‌ها و نمایندگان کارگران ۱۵۰ کشور برگزار شد، ارائه گردید. دلیل تفاوت فاحش بین این دو رقم را می‌توان اینطور توضیح داد که کار کودکان غالباً غیر قانونی و مخفی است و در نتیجه نمیتوان آنها را به طور جدی کنترل نمود.

و مانند بردگان فروخته میشوند. مستخدمین محیط‌ها استثمار میکنند. آنها از این ۱۰ ساله که به برده تبدیل شده‌اند با طریق و با از بین بردن عمر کودکان، کارگران فصلی که مادام‌العمر در زمینهای سودهای چند برابر عاید خود می‌سازند. اشباع شده از سوم به کار گرفته شده‌اند. دفتر بین‌المللی کار اگرچه آمار دقیقی گزارش تصریح میکند که بعضی از روشهای از تمام موارد کار کودکان ارائه نمی‌دهد،

تولید مانند روش‌های مورد استفاده در - ولیکن در یک مورد تصریح میکند که حدود شش گری‌ها، بچه‌ها را در معرض یک‌گرماي مفرط قرار میدهند که بیماری‌های شغلی و تصادفات کاری را موجب میشوند که قربانیان آن نیز کودکان کارگر هستند. در این کار امکان بریدن دست و پا و یا سوختن خیلی زیاد است. در کارگاه‌های قالی بافشی کودکان با حالتی خمیده به صورت نشسته روی پنجه کار میکنند و این باعث میشود که استخوانهای اعصاب داخلی بدن به تدریج تغییر شکل دهند... در صنایع زغال‌چوب و ساختمانی بچه‌ها به کارهای حمل و نقل می‌پردازند و این برای توانایی آنها بسیار زیاد است. همینطور میتوان در کارگاههای تعمیرات مکانیکی و ریخته‌گری ملاحظه کرد که بچه‌ها در قسمت‌های خیلی آلوده و شلوغ و پرسروصدا کار میکنند. در بسیاری از رشته‌های صنعتی کودکان روی ماشین‌های کار میکنند که برای بزرگسالان در نظر گرفته شده است. در یک کلام سرمایه‌داران با سوء استفاده از احتیاجات طبقات تحت‌تسطم، کودکان را با ارزان‌ترین قیمت و در نامطمئن‌ترین شرایط و غیربهداشتی‌ترین

کشورهای تحت سلطه (جهان سوم) می‌باشند. مثلاً در فیلیپین ۸۷ درصد از کودکان بین ۱۰ تا ۱۴ سال و در مناطق روستایی به کار گرفته میشوند که از این تعداد ۲۴/۵ درصد از سنین ۶ تا ۹ سالگی شروع به کار میکنند در بیشتر کشورهای سرمایه‌داری وابسته نظیر فیلیپین که امپریالیستها برای استفاده از کار ارزان صدور سرمایه میکنند به دلیل فقر حاکم بر جامعه، بیسوادی و عقب‌ماندگی فرهنگی و اجتماعی، کودکان قربانی سودجویی‌های سرمایه‌داران جهانی میشوند. مسلماً سازمان ملل قادر نخواهد بود که با تصویب قطعنامه و ایجاد ملاحظات اخلاقی، سرشت و ماهیت تجاوزکارانه و استثمارگرایی سرمایه‌داری را که از طریق همین گونه‌تعدی‌ها به حقوق انسانها موجودیت خود را حفظ میکند، تغییر دهد. تغییر چنین وضع اسفباری تنها در گرو آزادی خلقها از چنگال امپریالیسم نهفته است و آزادی در انتهای جاده‌ای است که تنها انقلاب توده‌ها مسیر آنها هموار میکند. ■

علیرغم اینکه تقریباً تمام دولت‌های جهان قطعنامه عمومی مربوط به حقوق کودکان مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۹ را امضا کرده‌اند و در این قطعنامه رعایت حقوق کودکان و پشتیبانی از آن تصریح شده است و بی‌توجهی، خشونت و استثمار منع گردیده است و حداقل سن برای ورود به بازار کار نیز مشخص گردیده است، آمار این چنین در گزارشات رسمی سازمان ملل به چشم می‌خورد. به موجب همین گزارش تعداد دختر و پسر بچه‌های واقعاً کوچک که در بعضی از کارهای الکتریکی بین ۱۲ تا ۱۴ ساعت در روز با سیم‌های خیلی نازک کار میکنند و بعد از ۵ یا ۶ سال در اثر این کار کور میشوند، هنوز محاسبه نشده‌اند. گزارش می‌افزاید در زمان ما هنوز هم دهها هزار کودک به کارها در درون معادن مشغولند

دعوت برای استعمار



مکزیک کشور تحت سلطه‌ای با ۸۳ میلیارد دلار بدهی به بانکهای امپریالیستی، میزبان سرمایه‌داران بیشتر

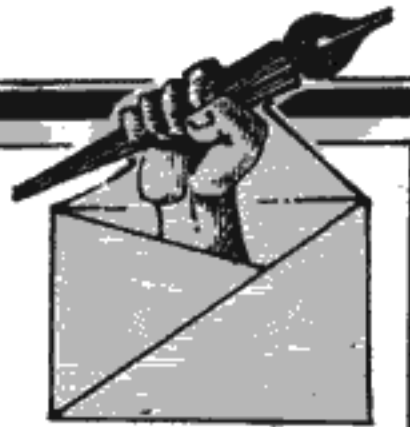
مطابق یک آگهی که در نشریه وال - استریت ژورنال مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۸۳ آمده است: حدود ۶۵۰ کمپانی آمریکایی در حال حاضر مکزیک را به عنوان بهترین محل برای سرمایه‌گذاری شناخته‌اند. برای تشویق سرمایه‌داران آمریکایی به صدور سرمایه به مکزیک و تاسیس کمپانی، در این آگهی به زبان بسیار ساده تفاوت سودی را که سرمایه‌داران آمریکایی می‌توانند در مکزیک کسب کنند ذکر کرده است. آگهی به سادگی می‌نویسد که کمپانی‌های آمریکایی به ازای هر کارگر مکزیکی که در کمپانی خود به کار می‌گیرند، بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰ دلار در سال بیشتر سود می‌برند. یعنی اگر سرمایه‌داری موسسه‌ای در مکزیک تاسیس کند و مجبور باشد ۲۰۰ کارگر در کمپانی خود استخدام کند، سودش به طور ساده بین ۲۰۰۰۰۰۰ تا ۲۸۰۰۰۰۰ دلار بیش از مقدار سودی است که در آمریکانصیب می‌شود. این آگهی در عین حال صحت‌تئوری اضافه ارزش مارکس را که بورژوازی تلاش در نفی آن میکند به سادگی در عمل نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که چگونه سود سرمایه‌داران از طریق کار کارگران تامین می‌شود. البته این تنها بخشی از تفاوت سودی است که سرمایه‌داران به طور مستقیم از کارگران مکزیکی به دست می‌آورند.

از آنجائیکه سرمایه‌داران معمولاً درجای کالای تولید میکنند که در همانجا آنرا به فروش برسانند، از طریق فروش آن نیز سودهای دیگری به جیب‌میزنند و چه بسا خود کارگران نیز در کارخانه او کار میکنند بخشی از پولی را که به عنوان دستمزد دریافت کرده‌اند از طریق خرید وسائل به عنوان سود فروش به سرمایه‌دار باز میگردانند.

با تغییراتی در فرم، ادامه می‌یابد. ■

به همت رفقای هوادار
"کار" و آثار سازمان
به زبانهای انگلیسی، ایتالیایی
یونانی، آلمانی و فرانسوی
ترجمه و منتشر میشود:





از خوانندگان

خوانندگان گرامی "جهان"

ضمن عذرخواهی از آن دسته از رفقای شما که گزارش فعالیت‌هایشان به دلیل دیررسیدن به دست ما، در "جهان" درج نشده است (مثل گزارش برنامه عید رفقای اتریوش)، از شما می‌خواهیم که گزارش‌های مربوط به فعالیت‌های مبارزاتی، بین‌المللی، دفاعی، جشن‌ها و برنامه‌های هنری و فرهنگی و... خود را در اسرع وقت و به طور مختصر و حتی الامکان همراه با عکس (سیاه و سفید) برای ما ارسال دارید تا با درج آن - هواداران و هموطنان مقیم دیگر شهرها و کشورها و از جمله رفقای داخل کشور در جریان فعالیت‌های شما قرار گیرند (توجه داشته باشید که "جهان" در چند صد نسخه به ایران نیز ارسال میشود).

■ پروکسل، بلژیک - رفقا نامه و نکات مطروحه شما رسید. در مورد چگونگی کمک‌های مالی، ضمن تشکر، بزودی شماره حسابی در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.

■ انجمن دانشجویان ایرانی در تورنتو - کانادا - نامه و تراکت شما مربوط به برنامه شب همبستگی با خلق‌های تحت‌تسلیم السالوادور، ایران و فیلیپین به دستمان رسید. موفقیت‌های هرچه بیشتر رفقای رزمنده را در مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی و در فعالیت‌های ارزنده‌تان در زمینه همبستگی انترناسیونالیستی، خواهانیم.

■ مزدگه میهنه سوتا - دوست عزیز نامه شما با شعر همراه آن رسید. ضمن تشکر در جواب سؤال شما در مورد موضع سازمان نسبت به مبارزه مسلحانه، شما را رجوع میدهیم به کتاب دیکتاتور و تبلیغ مسلحانه (قهر) که اخیراً (خرداد ۱۳۶۲) از طرف سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران منتشر شده است. در مورد جمهوری دموکراتیک خلق نیز مطالعه دقیق برنامه عمل سازمان را توصیه میکنیم در صورت عدم دسترسی، برای دریافت منابع فوق میتوانید با "جهان" تماس بگیرید.

■ اسماعیل، قطر - نامه شما رسید. شماره های اخیر "جهان" را برایتان ارسال داشتیم.

■ م. پرتو، ایلی نوی - در مورد نکته و سؤال شما در باره "شهادت راه علم"، و مقاله مربوط به گالیله در "جهان" شماره ۱۱، باید اضافه کنیم که بروشور از فلاسفه دوران اسکولاستیک (قرون وسطی) چه جرم اینکه بیش از حدی که مذهب اجازه میداد به تحقیقات علمی پرداخته بود، به دستور پاپ‌زنده زنده سوزانده شد. ژاندارک، زن مبارز و شیردل فرانسوی نیز به دستور پاپ در لندن زنده زنده سوزانده شد. نمونه‌های بسیار دیگری نیز از فجایع حکومت قدسیان وجود دارد.

■ بنیاد فرهنگ ایران، کتابخانه دهخدا - اطلاعیه شما رسید. ضمن تشکر اقدام لازم صورت خواهد گرفت.

■ انجمن آزادی - نشریه ارسال شما رسید، متشکریم.

■ دکتر ع. ا. ، واشنگتن - نامه بسیار گرم و شورانگیز شما رسید. ما هم مثل شما با خاطره جاوید فدائی کبیر بیژن جزنی و هم‌زمان، به شما درود می‌فرستیم و موفقیت هرچه بیشتر شما را در تداوم تعهد و خدمات ارزنده‌تان به جنبش‌های بخش خلق‌های ایران آرزو میکنیم. در مورد درخواست شما اقدام فوری به عمل آمد. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

■ بهروز، پنسیلوانیا - دوست عزیز چک و نامه محبت‌آمیز شما رسید. اقدام لازم به عمل می‌آید.

■ رفیق محمد، اسرائیل - نامه و شعر پراحساس شما رسید. در مورد مقالات و مطالبی که خواسته بودید اقدام شد.

■ میرزا ایرانی، کانادا - اطلاعیه شما در مورد ترجمه فارسی جدیدی که از قرآن تهیه و آگهی کرده‌اید به دستمان رسید. متشکریم.

■ پ. هرمز، بلژیک - شعر، ترجمه‌ها، انتقادات و پیشنهاد شما رسید. ضمن تشکر بسیار، در نشریه "جهان" و یا سایر زمینه‌ها از مطالب ارسال‌تان استفاده خواهد شد.

■ ه. ت. آرلینگتون - چک و لیست کتب درخواستی شما رسید. ضمن تشکر، اقدام لازم بعمل خواهد آمد.

■ رفقای کمیته خیر انجمن پاریس - ترجمه اخبار و بولتن خبری ارسالی شما رسید. ضمن قدردانی از زحمات شما خواستار ادامه همکاری‌ها و ارسال اخبار و بولتن خبری هستیم.

■ رفیق فرشاد، کانادا - عکس‌های ارسالی شما رسید. بسیار متشکریم.

■ رفیق همایون، کالیفرنیا - شعر ارسالی شما رسید. خیلی متشکریم.

■ رفیق سعید، برکلی - بریده‌ها و مطالب جالب و ارزنده ارسالی شما رسید. ضمن تشکر خواستار ادامه همکاری شما هستیم. از مطالب ارسالی‌تان استفاده شده و خواهد شد. اگر بتوانید خودتان بعضی از مطالب اقتصادی مهم را ترجمه و تلخیص و برای چاپ در "جهان" آماده نمائید، کمک موثری خواهد بود.

■ رفیق جمال، نیویورک - داستان ارسالی شما رسید. بسیار متشکریم. در این زمینه منتظر نامه ما باشید.

■ نغمه، نیوجرسی - شعر و طرح‌های شما رسید. خیلی متشکریم.

■ رفیق اسمعیل، نیویورک - شعرهای شما رسید. خیلی متشکریم.

■ رفیق هوادار در نیویورک - از نامه گرم و تشویقی‌تان (اولی بدون اسم؟) و کمک مالی شما برای "جهان" بسیار متشکریم. حمایت‌ها، پیشنهادها و انتقاداتی - صمیمانه شما رفقا، مشوق راه ما و موجب تجدید قوای کارکنان "جهان" است.

■ کمیته موقت پناهندگان سیاسی ایرانی، استراسبورگ، فرانسه - اطلاعیه مربوط به اعلام موجودیت این کمیته به آدرس "جهان" ارسال شده است: "... رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با هدف سرکوب مبارزات زحمتکشان در ایران مدتهاست همان روش را در خارج از کشور در قالبی دیگر در پیش گرفته است..." این اطلاعیه بر لزوم ایجاد تشکلی از طرف آوارگان و مهاجرین و پناهندگان سیاسی ایرانی تاکید نموده است.

■ حیدرآباد، هند - رفقای تشکیلات هند در انتظار دریافت اطلاعات مستندی از شما در مورد "شهادت جلال" هستیم.

■ کواچی، پناهندگان - رفقای هوادار نامه شما رسید. آنرا در اختیار دایره تشکیلات سازمان آمریکا گذاشتیم تا اقدامات لازم صورت گیرد.

چند تن از هواداران سازمان پاکستان در مورد سؤال شما باید گفت "انجمن حجتیه" دارای تشکیلاتی همانند حزب یا یک سازمان سیاسی نیست بلکه انجمنی است با تفکر و بینش ویژه که عمدتاً بر اصول اولیه اسلام استوار است و آنها را میتوان مذهبیهون ارتدکس خواند. آنها با انجام هر گونه فرم در اصول مذهب، که بر مبنای همان اصول تغییر در آن مجاز نیست، مخالفتند. بنا بر این بی آنکه عده‌ای از روحانیون بزرگ و صاحب نفوذ در بین مذهبیهون شیعه، به این انجمن بستگی داشته باشند یا این بینش موافقتند. چرا که این بینش درست در جهت حفظ منافع طبقاتی و قشری آنها قرار میگیرد. از آنجائیکه حزب جمهوری اسلامی با هدف تأمین و حفظ منافع طبقاتی و قشری روحانیت در مقابل طبقات تحت‌تسم جامعه و همچنین بخش‌های دیگر سرمایه‌داری مثل لیبرالها، شکل گرفت از ابتدا هر دو دسته را در درون خود داشت. ولی از آنجائیکه بحران جامعه برای منافع قشری روحانیت عمل میکرد در ادامه حرکت حزب سمت‌گیری‌هایی انجام گرفت و وجه غالب در درون حزب با بینش موسوم به "خط امام" شد و عناصر با نفوذ حجتیه مثل شیخ محمد یزدی، نماینده قم در مجلس و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، سال گذشته به دنبال اوج‌گیری اختلاف آنها بر مبنای تقدم اصول اولیه یا ثانویه در مقطع کنونی و بر مبنای ضرورت روز، از حزب خارج شدند. ولی عناصر دیگری با بینش حجتیه هنوز در حزب باقی مانده‌اند. مثلاً حبیب‌اله عسکری، اولادی، وزیر بازرگانی رژیم، مدافع پیش حجتیه از اعضای برگزیده حزب جمهوری اسلامی است. شما میتوانید برای مطالعه بیشتر و دقیق‌تر در این زمینه به گزارشات مربوط به برگزاری کنفرانس حزب جمهوری اسلامی که در روزهای ۲۵ تا ۲۲ اردیبهشت ۶۲ تشکیل شد و در روزنامه‌های رژیم، در همان روزها منعکس گردید، مراجعه کنید.

تاریخ سازمان در کشورهای ایران، دروین - اعلامیه، گزارش و تذکرات مطروحه شما رسید. ضمن تشکر و بوی خوش از شماستیا می‌گردد. در مورد لیست کتب مندرج در "جهان" ۱۶، با تدوین و تنظیم قیمت این کتب بخصوص در نسخه‌های متعدد برای هواداران ارزا عرضه می‌شود. در مورد سایر نکات، دبیرخانه تشکیلاتی مالی سازمان آمریکا با شما تماس می‌گیرد.

بلورن تقسیم

مسئله گران

"مشک پیغمبر"

اطلاعات دوشنبه ۱۶ خردادماه

امام در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی:

مسئله گرانی، ما همه میدانیم که گرانی امروز سرسام‌آور است و یک دسته‌ای ازش رنج می‌برد. اما در مقابل آن رنج‌هایی که خود پیغمبر و هسر بزرگ عزیزش حضرت خدیجه در آن چند سال بردند که مشک را از قراری که نقل میکنند، مشک را می‌گذاشتند توی آب و می‌کینند برای اینکه از آن چیزی مثل آنجا که در مشک هست بهشان برسد. وقتی آنها برای اسلام اینطور عمل کردند و اینطور مقاومت کردند در مقابل دشمنهای اسلام، شما هم که ملت و امت همان بزرگوار هستید، نباید از اینکه فلان چیز کم است، آنچه کم است ارزاق که نیست، ارزاق که کم نیست، آنی که کم است، آن وضع آرائشی است که آنها میخواستند، یک دستمی‌خواستند باشد و دیگر انشاء الله نیست و باید از بین‌هم برود، گرانی هست، لکن کجاست که گرانی نیست. اینطور نیست که گرانی مال کشور ما باشد. همه‌جا گرانی هست.

"غول گرانی بیدار میکند"

اطلاعات دوشنبه ۳۰ خردادماه

سخنان فخرالدین حجازی نماینده مردم تهران

در رابطه با مساله گرانی گفت: در ماه رمضان غول گرانی بیدار می‌کند و این مردم مبارز و مقاوم گرچه خمی برابر نمی‌آورند ولی بالاخره ما را هم وظیفه‌ای و مسئولیتی است. حالا این غول را چه کسی بشکند و چه کسی بکشد. معیاد، وزارت بازرگانی، دولت، مجلس، دانشگاه‌های انقلاب، خود مردم، البته بالاخره باید پیدا شود قهرمانی که بتواند با این غول بجنگد.

چرا اصل ۴۹ را اجرا نکنیم

وی با اشاره به اینکه طبیعت انقلابان مبارزها است که ثروت و تراکم ثروت و سرمایه است. اصل ۴۹ قانون اساسی را یک اصل مقدس اسلامی، رساله‌ای، نهج البلاغه‌ای دانست و گفت: امیرالمومنین (ع) در نخستین روز حکومتش این اصل را بیان میدارد و اجرا می‌کند و در برابر ضریبات قدرتمندان می‌ایستد. ولی ما می‌بینیم همچنان مالکان با مالکیتشان و سرمایه‌داران با سرمایه‌هایشان و کارخانه‌داران با کارخانه‌هایشان هستند، حتی بعضی‌ها که میلیونها ثروت این ملت را نزدیده و چاپیده و بلعیده‌اند، اکنون کافوی درآورده‌اند که کارخانه ما را به ما پس بدهید. و عدمی هم از آنان دفاع می‌کنند و اگر نهیب رئیس دیوان عالی کشور نبود، شاید الان وارد مجلس شده و روی دوش بنده هم سوار شده بودند.

چه گویم که هنوز امیرکلاهی‌ها در مشهد هزاران هکتار زمین دارند، خانلرها در بجنورد، میرزا محمدعلی‌خان امیری موقوفه‌خور در سبزوار، سعیدالاحیاله در نیشابور، بعضی وکلای دوره شاهنشاهی در مازندران، حتی در دزفول مظلوم، باز کافذ آورده‌اند که ملک ما را پس بدهید، که بعضی‌ها سرگشته‌اند و آبی هم بالایش خورده‌اند.

"شیا طین جمهوری اسلامی"

دوشنبه ۲ خردادماه

اطلاعات سخنان خمینی

دنبال این قضیه، ما امروز باز مبتلا هستیم به اشخاصی که برای خاطر چیزها، بوی‌های خاطر توده‌های ما، بوی‌های خاطر شوروی و بر ضد مصالح اسلام و کشور، مشغول تبلیغات سوء هستند. و به نظر می‌رسد که امروز هر دو دسته، دسته سابق که ضربه‌ای آن‌ها را از پاسدار را خورده‌اند، و دسته‌ای دیگری که ضربه‌ای دست از عزیزان پاسدار را خورده‌اند، دست‌به‌هم داده‌اند تا

شیطنت خودشان را ادامه بدهند. من باید به هر دو دسته هشدار بدهم که دست از شیطنت‌ها بردارید. امروز نمی‌تواند اینک: برای ایران، دولت ایران هیچ‌کاری نکرده است، و سنگین‌تر شده است و مستضعف، مستضعفتر. این تفهیم را که باید از دهن آمریکا و از دهن شوروی خارج بشود، اینهایی که در ایران خودشان را مسلم میدانند، اینها این نغمه را از گلوهای خودشان بیرون بیندازند. البته یکجسته هستند فضول و شیطان که از اسلام ضربه بدهند و آنها ارباب بزرگ خودشان را از دست دادند و اینها هم اخیراً ارباب بزرگشان را از دست دادند. اینها برای خاطر اینکه اربابها از دستشان رفته است، شیطنت میکنند. همین‌ها و ادار میکنند یکجسته سادطوح را که بی‌خوش هستند، اینها را و ادار میکنند، تبلیغات میکنند، و آنها هم هر جا دستشان، یک اجتمعی را به دستشان برسد، در نماز جمعه مثلا، اگر یکوقت دستشان برسد، در مجلس اگر یکوقت تریبون به دستشان بیاید، همان حرف‌هایی را که باید از حلقوم آمریکا و شوروی بیرون بیاید که برای این ملت هیچ‌کاری نشده است، همان مطالب را از حلقوم این بیچاره‌ها بیرون می‌آید. یک دسته گول‌خورده و یکجسته شیطان، یکجسته که می‌خواهند جمهوری اسلامی نباشد، هر چه می‌خواهند باشد.

آن می‌گوید ضروری باشد و کمونیست، آن می‌گوید آمریکا باشد و غرب، و این نودسته که بنظر میرسد باهم

تفاهم کرده‌اند، یک اشخاص سادطوح را چندر مجلس‌روچه در خارج مجلس، و ادار میکنند که مثالی را طرح کنند که هر چه بیشتر ملت ایران را میوس کند.

شما برادرانی که چهارسال است دارید برای این مردم خدمت میکنید، و خدمت‌هایی که شما برای این ملت کرده‌اید در طول تاریخ شاهنشاهی شده است، آنها همه خدمتشان را برای کاخ‌نشینیان کردند و شما خدمتتان را برای کوخ‌نشینیان اینها را در نظر نمی‌آورند. پاسدارهایی که این همه خدمت‌ها را کرده‌اند و در خارج جیب‌ها کردند و اینطور دست می‌انفتان را از این کشور کوتاه کردند، اینها خدمت نیستند؟ خدمت باید به طرز آمریکائیش باشد یا به طرز شوروی یا به طرز موجب تاسف است که یکجسته مسلم گول بخورد و یکجسته شیطان خبیث، و در مجامع صومی بخواهد تفسیر کند جمهوری اسلامی را، دولت جمهوری اسلامی را و رئیس جمهور را و سایرین را. بسیار تاسف دارم من از اینکه این جمعیت پاکدل، این قدر پاکدل باشند که خیال کنند هر چه این شیاطین گفتند، صحیح است، همین شیاطینی که می‌گویند هیچ‌کاری برای ایران نشده است، همین شیاطینی که می‌گویند زمان شاه بهتر بود از حالا، این نغمه شوم سنگین، سنگین‌تر شده است یعنی زمان جمهوری اسلامی بهتر شده است از زمان شاه و مستضعف، مستضعفتر شده است، یعنی اسلام بهتر است از رژیم شاهنشاهی.

اطلاعات مدرسین رمال و خط جدید

بعد به شورای نگهبان توهین میکنند و می‌گویند شورای نگهبان طرفدار شودالها و سرمایه‌دارها است ۱ من آن هفته که به همراه کلیه اعضای شورای نگهبان خدمت انعام شریفی بودیم، عرض کردم لطف شما ایجاد می‌کند من یک مقدار با صراحت بیشتر خدمت شما حرف بزنم، عرض کردم آیا این مسأله را که ما در شورای نگهبان داریم می‌توانیم یا غیر از این است که فتوای شما اینگونه است؟ ما از خودمان چیزی نمی‌گوئیم مردم مقلد شما هستند. ما می‌گوئیم اگر معدن در ملک شخصی باشد، این مال آن شخص است، این مطلب در رساله امام هم پوشته شده، حالا اگر آن معدن خیلی در اعق زمین باشد، این بحث دیگری دارد.

معدنی که روی زمین و بر آن تابع ملک شما است و روی آن تراخت و کار کرده‌اند نه زمینهایی که روی آن کار نشده است. عرض کردم خدمت امام با شما این فتوا را از رساله خودتان بردارید ما در شورای نگهبان نمی‌توانیم بگوئیم معدن در ملک شخصی مطلق مال دولت است.

مهدوی کنی

آیت‌الله مهدوی‌کنی آرزو: اخیراً امام امت خط دیناری را بعد از خط حزب نودیکشف کرده‌اند و آن خطی است که بعضی‌ها از اصفهان شروع کرده بودند تر سیه و وجهی دیگر، و در جمع برادران پاسدار گفته بودند که مدرسین قم مثل رمال‌ها میمانند، و در هنگامی که حضرت امام فرمودند: ۸ ملائکای صادر کرده بودند، برادران سیاه را تشویق به خودسری و طغیان در برابر مقررات مملکتی کرده بودند، و شنیده‌ام این‌توار را آوردند خدمت امام و ایشان کوش داشت کمی‌گویند چامسه مدرسین قم رمال هستند!

جامعه مدرسین قم کسانی هستند که اساس انقلاب مردم بودند، حتی مرجعیت امام امت را همین جامعه مدرسین در زمان طاغوت تثبیت کردند. و رهبری آینده را هم همین جامعه مدرسین تثبیت می‌کنند، اینها از فقها و علماء هستند. البته این را همین‌گوئیم که کسی انشاء نمی‌کند، ولی خطی وجود دارد که می‌خواهد جامعه مدرسین را حذف کند.

خرید اسلحه از آمریکا، آلمان و اسرائیل

اسلحه شیطان بزرگ برای آیت اله العظمی

هفته نامه تایم (چاپ آمریکا) مورخ ۲۵ ژوئیه گزارشی در ارتباط با خرید اسلحه توسط رژیم جمهوری اسلامی از آمریکا، اسرائیل و کره جنوبی درج نموده است.

اگرچه این اولین باری نیست که یک شریه خارجی پرده از قرارداد های خرید اسلحه رژیم خمینی از امریالیستها و صهیونیستها برمیدارد. این گزارش از این جهت قابل اهمیت است که بطور دقیق و مشخص نام افراد و کمپانی های درگیر به اجراء آوردن این قراردادها زافاش ساخته است. در این گزارش آمده است که یک تاجیر

ثروتمند ایرانی بنام هاشمی که پس از قیام از ایران گریخته بود و در شهر استامبول پالت Connecticut ما مورخ خرید و ارسال اسلحه برای جمهوری اسلامی بود. وی بنا به درخواست دولت ایران یک بنام R.R.C. Co که پوشش آن فروشی قالی های ایرانی بود در سال ۱۹۸۰ در شهر نیویورک دایر نمود. هاشمی سال قبل محل مزبور را تعطیل و تحت نام کمپانی دیگری در لندن بنام Zoomer Fly Ltd بهمین منظور براه انداخته است.

در رابطه با فروش اسلحه های آمریکایی به ایران "باربراشل" متخصص ایران در وزارت خارجه آمریکا اظهار نموده که تاکنون شایعات زیادی در این مورد شنیده ایم ولی اثباتی بر این مدعا وجود ندارد. در این مورد نشریه تایم مینوسه که صدها مدرک برای اثبات فروش اسلحه های آمریکایی به جمهوری اسلامی وجود دارد که یا از اداره کنترل مهمات وابسته به وزارت خارجه آمریکا بدست آمده و یا توسط "کالوس ویرا" دلال بین المللی اسلحه در اختیار این نشریه قرار گرفته است. نام کالوس بعنوان رئیس کمپانی R.R.C. ثبت شده است.

این نشریه همچنین فاش ساخت که جمهوری اسلامی از طریق فرخ عزیز میقیم آتن، مقداری مهمات جنگی از اسرائیل خریداری نموده است. برای مثال در نوامبر ۱۹۸۲، جمهوری اسلامی دو فروند موشک کنترل از راه دور از اسرائیل خریداری نمود. در این رابطه وزیر دفاع اسرا-



خیل اعلام نموده که آنها با فروش اسلحه به جمهوری اسلامی هیچگونه قراردادی بین خود و ایالات متحده را نقض ننموده اند.

کره جنوبی نیویکی دیگر از فروشندگان عمده اسلحه آمریکایی به جمهوری اسلامی میباشد. در طی یکسال گذشته ۶۰ مورد خرید موشک های جنگی Hawk Missiles و لوازم یدکی آنها توسط شرکت هوایی کره جنوبی مشاهده شده است که طبق پیش بینی مقامات گمرکی آمریکا، ایران مقصد نهایی این مهمات جنگی است. همچنین برخی از شرکتها تیکه بدلیل غیر

قانونی بودن فروش اسلحه های آمریکایی به ایران، بطور مستقیم با جمهوری اسلامی وارد معامله نشده و اسلحه های خود را به هاشمی و کارلوس میفروختند. پس از مشاهده اینکه دولت آمریکا هیچگونه تلاشی برای جلوگیری از سیل اسلحه و مهمات جنگی آمریکایی به ایران نمی نماید، بطور مستقیم و بلاواسطه وارد معامله با جمهوری اسلامی شدند. همچنین برخی از کمپانی های آمریکایی تاکنون تحت عنوان "موتور تراکتور" موتور تانک های M-60) آمریکایی را برای جمهوری اسلامی ارسال مینموده اند.

ضمناً شواهد حاکی است که بیشتر معاملات و نقل و انتقالات از طریق کانادا، بویژه لندن به تهران صورت گرفته و میگیرد.



اسناد دیگری از خرید اسلحه توسط رژیم جمهوری اسلامی از آلمان غربی و اسرائیل

نشریه Executive Intelligence Review

در شماره ۸ مارس هشتاد و سه خود مقاله ای تحت عنوان "چرا گنشر می خواهد به خمینی کمک کند؟" نوشته و نکات جالبی را در رابطه با سفرهای طباطبائی به آلمان و قراردادهای وی با کمپانیهای خارجی درج نموده است. مادی طباطبائی که در روز هشتم ژانویه به جرم حمل ۱/۲ کیلوگرم مواد مخدره در فرودگاه دوسلدورف دستگیر شده بود، به دنبال رأی یکی از دادگاه های دوسلدورف مبنی بر "مصونیت سیاسی" آزاد شد. جالب اینجاست که بلافاصله پس از دستگیری طباطبائی، وزارت خارجه آلمان اعلام نموده وی دیپلمات نیست و پنج روز پس از آن یعنی در روز سیزدهم ژانویه نیز سفارت جمهوری اسلامی در بن اعلام نمود که طباطبائی هیچ ما موریت رسمی نداشته است. ولی در روز ۲۱ ژانویه نامه ای از جانب وزارت خارجه ایران به بن رسید که طی آن ادعا شده بود که طباطبائی از روز ۱۸ ژانویه "مأمور فوق العاده" بوده است و نتیجتاً طباطبائی در روز ۲۲ فوریه آزاد گشت. گفتنی است که طباطبائی از دوستان "گنشر" وزیر امور خارجه آلمان فدرال و رئیس "حزب دموکرات-تیک آزاد" به حساب می آید.

این نشریه در رابطه با قراردادهای طباطبائی مینویسد: "مأموریت مخفی" - طباطبائی در اروپا در رابطه با خرید یکصد میلیون مارک تانک بوده است. این